

۷۴/۱۰/۳ در حالی که عده کثیری از فضلا و طلاب در محضر درس آیت‌الله العظمی منتظری مشغول استفاده از درس خارج فقه ایشان بودیم، عده‌ای در حدود ۴۰ نفر که دوفتر آنها ملبس به لباس روحانیت بودند وارد حسینیه شهدا شدند و در جمع حضار نشستند و یکبار بطور جمعی اقدام به فرستادن صلوات جهت بهسزدن درس نمودند ولی موفق نشدند. بلافاصله پس از پایان درس ایشان، این عده از جای خود برخاسته و شروع به اهانت و هتاک و بکار بردن الفاظ رکیک نسبت به شخص فقیه عالیقدر و طلاب و شاگردان معظمه نمودند، آنگاه اقدام به شکستن آینه و تریبون و واژگون کردن بخاری گازی و درین پرده‌ها کردند و یا وضع بسیار زننده و ناشایستی که در شان افراد مسلمان و مودب به آداب اسلامی نمی‌باشد نسبت به کلیه حاضرین جسارت کرده و آنها را تهدید نمودند که چنانچه فردا یکشنبه ۷۴/۱۰/۴ در درس حاضر شوند به عنوان ضدانقلاب با آنان برخورد کرده و از درس جلوگیری خواهند کرد. در تاریخ ۷۴/۱۰/۱۰ اعلامیه‌ای در ۲۳ صفحه تحت عنوان "تحلیلی اجمالی از علت حرکت روشنگرانه طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم در ارتباط با آقای منتظری و دفتر ایشان" در سطح وسیعی در شهر قم پخش گردیده که از ظواهر آن چنین بر می‌آید این اعلامیه هم از طرف همان عده یا محرکین آنها تهیه شده باشد، و در این اعلامیه سراسر کذب‌انواع تهمتها و ناسزاها نسبت به ساحت فقیه عالیقدر و شاگردان مخلص معظمه وارد گردیده است از جمله شکستن آینه و واژگون کردن بخاری و شکستن تریبون را به شاگردان معظمه نسبت داده است.

معهدا با عنایت به اینکه مطابق اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران "حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند" و با توجه به اینکه مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه قوای مستقل است کمیتیبیان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایفی است که از جمله آنها "رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعذبات" و "احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع" و "کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات منون جزایی اسلام" و "اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم" می‌باشد و اعمالی که از طرف این عده صورت گرفته است از مصادیق بارز "جرم" بوده و قوه قضائیه و محاکم دادگستری مطابق نص صریح قانون اساسی و قوانین عادی موظف به رسیدگی و تعقیب و مجازات مجرمین و پیشگیری از تکرار چنین اعمال مجرمانه‌ای می‌باشد، زیرا:

اولاً: توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک مطابق ماده ۸۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ جرم بوده و موجب مجازات تا ۳۰ ضربه شلاق می‌باشد که این عده در روز جمعه ۷۴/۱۰/۲ در مقابل بیت معظمه و شنبه ۷۴/۱۰/۳ در حسینیه شهدا پس از درس ایشان اقدام به این عمل نمودند.

ثانیاً: اقدام آنان در شکستن تریبون و آینه و درین پرده‌ها و غیره از مصادیق بارز اتلاف اموال غیر و موضوع ماده ۱۳۲ قانون تعزیرات می‌باشد و با توجه به اینکه تعداد مجرمین حدود ۴۰ نفر می‌باشد، عمل آنها اقدام جمعی به نحو قهر و غلبه محسوب می‌شود، ماده ۱۳۴ هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از ۳ نفر به نحو قهر و غلبه واقع شود جزای آن حبس از ۲ تا ۴ سال است.

ثالثاً: در مورد راهپیمایی روز جمعه ۷۴/۱۰/۲ این مطلب حائز اهمیت است که کلیه راهپیمائیا باید با اجازه مقامات مسئول و با اخذ مجوز از وزارت کشور باشد و برابر اطلاع و اتفه این جمع فاقد چنین مجوزی بوده‌اند، در این صورت خود این حرکت عملی خلاف قانون بوده و قابل تعقیب و مجازات می‌باشد.

رابعاً: در مورد اعلامیه ۲۳ صفحه‌ای که نسخه‌ای از آن پیوست می‌باشد، این نوع اشاعه اکاذیب و تهمت خود جرم بوده و از مصادیق بارز ماده ۱۴۰ قانون تعزیرات می‌باشد، ماده ۱۴۰ هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا انتشار آنها یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع به کسی امری را صریحاً نسبت دهد که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود، نسبت دهنده مغفرتی خواهد بود. ...

مسئله مهمی که در اعلامیه مورد بحث قابل توجه می‌باشد علاوه بر تهمت و ناسزاگویی و تحریف حقایق مسلم تاریخی و غیره، موضوع نقشه‌حمله به شخص فقیه عالیقدر و مجروح کردن وی می‌باشد که در صفحه ۲۰ اعلامیه مذکور به چنین امری اشاره شده است و با عنایت به تهدیدی که از این ناحیه جهت امنیت جانی و حیثیتی ایشان و شاگردان ایشان وجود دارد تقاضا دارد دستور فرمایید سریعاً نسبت به تعقیب و مجازات مسببین و محرکین غائله مذکور که تعدادی از آنها توسط شاگردان جلسه شناسایی گردیده‌اند و اسامی آنها در ذیل ورقه آمده است اقدام نموده و از هرگونه اختلال و بی‌نظمی در حوزه مقدسه علمیه که آبروی نظام و انقلاب اسلامی می‌باشد پیشگیری نموده، از هتک حیثیت‌علما و مراجع و طلاب و تهدید و ارباب اشخاص جلوگیری نمایند که سستی در این امر عواقب بس ناگوار و غیر قابل جبران برای نظام اسلامی و حوزه‌های علمیه و بلکه برای کیان اسلام و تشیع خواهد داشت. والسلام علیکم ورحمات‌الله

۷۴/۱۰/۱۸

شاگردان درس حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دامتبرکاته

رونوشت:

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامتبرکاته

ریاست محترم جمهوری حضرت حجج‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم قوه قضائیه حضرت آیت‌الله یزدی

اسامی بعضی از متهمین که مورد شناسایی قرار گرفت‌اند از این قرار است: ۱- جواد چناری ۲- قدرت امیرخانی ۳-

حسین مقنسی ۴- عباسعلی سالنورگر ۵- محسن صاحبیان ۶- محمد شجاعی ۷- حمید اسدی ۸- محمد قانمی ۹- یوسف اسزاده ۱۰-

جعفر شامخی ۱۱- حمیدرضا (ابوالفضل) نوری

پیوست شماره ۱۹۳: بیانات معظمه در پایان درس خارج فقه پیرامون بحران خلیج فارس و کشتار مردم مسلمان عراق توسط نیروهای آمریکا، مورخه ۱۳۶۹/۱۰/۲۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خداوند انشا الله لعنت کند آل صباح را که دو سه سال پیش پای آمریکا را در خلیج فارس و در این منطقه باز کرد و خدا سزایشان را داد و آنها را الحمد لله آواره کرد، و بعدش خدا لعنت کند آل سعود را که برای حفظ حکومت پوشالی تحمیلی خودشان باز پای آمریکا و ایادیش و همه قوای کفر را به منطقه باز کردند، حرم امن خدا را که به دستور پیغمبر اکرم (ص) باید منطقه حجاز از کفار پاک باشد، منطقه وحی خدا را در اختیار آمریکا و ایادی کفر قرار دادند برای حفظ حکومت پوشالی خودشان، و بالنتیجه با پول منطقه ماها، پول ذخاثری که مال اسلام است، با پول اینها بمب و موشک بر سر مسلمانها بریزند، فرق نمی کند وقتی که بمب و موشک به سر ملت عراق بریزند مثل این است که به سر ماریخته اند، ما صدام را کار نداریم، صدام هم یکی مثل همانهاست، اما مردم مسلمان بیگناه بغداد و بصره و شهرهای عراق بمب و موشک بمسلمان ریخته می شود، بهانه این است که چرا آل صباح را از کویت بیرون کردند، چطور آمریکا آن وقت که اسرائیل شهرهای فلسطین را اشغال می کند، فلسطینی ها را قتل عام می کند، مدافع اسرائیل است، خودشان پاناما و کشورهای آمریکای لاتین را اشغال می کنند و در آن دخالت می کنند هیچ اشکال ندارد، از ینگه دنیا پا می شوند می آیند اینجا و خلاصه تمام منطقه را مثل اینکه مال خودشان می دانند، به اسم حمایت کویت. کویت چه آقا جان، اینها می خواهند منطقه در اختیار خودشان باشد، صریحا می گویند نفت را می خواهند، مال خودشان می دانند. خلاصه خدا لعنت کند آنهایی که پای اینها را باز کردند اینجا و امیدواریم انشا الله همان طوری که آنها سزای عمل خودشان را دیدند و آواره شدند و انشا الله ذلیل تر می شوند اینها هم سزای عملشان را ببینند و ذلیل بشوند. خداوند انشا الله مسلمانها را از شر همشان نجات بدهد. علی ای حال، الان که قوای کفر آمده اند توی منطقه اسلام، منطقه اسلام ایران و غیر ایران ندارد، در اسلام مرز نیست، اسلام اسلام است، بمب و موشک با پول خودمان به سر ملت مسلمان عراق بریزند مثل این است که به سر ما ریخته اند "ما غزی قوم فی عقردار هملا ذلوا" کفار را کشیدند تو منطقه خودمان، الان که اینها توی منطقه ما آمده اند و دارند روی سر ما بمب و موشک می ریزند حالا وقت مرگ بر آمریکاست، همه کشورهایی که یک خسرده غیرت دارند حتی اروپا، حتی مقابل کاخ سفید حالا آنها دارند شعار می دهند، می بینیم می دهند علیه جنگ و متاسفانه خاک مرگ بر سر ما ایران ریخته شده، همین طور اینجا سبک نشسته ایم آنها هر کار می خواهند بکنند، اقلا هر جوری می توانند اشخاص باید اظهار تنفر بکنند، اظهار انزجار بکنند که به چه مناسبت قوای کفر بیایند به سر ما بمب و موشک بریزند، ما حتی مرگ هم بهشان نگوئیم و اظهار مخالفت نکنیم با آنها و با مسلمانان نامردی که آمده اند با اینها همکاری می کنند از مصر و سوریه و ترکیه و امارات و ما اقلا اظهار تنفر هم نکنیم. خداوند انشا الله به مسلمانها یک جو غیرت بدهد، یک جو حمیت بدهد، یک میلیارد مسلمان همه امکانات هم مال خودشان، هم بدبختیها برای این است که این سران دست نشانده باشند و آن وقت آخوندهای دریاری هم که از همینها حمایت می کنند همین حالا همدارند حمایت می کنند. و پیغمبر اکرم (ص) فرمود: "صنفان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسنا فسدت امتی، الفقها و الامرا" امرای ظالم و خائن خود فروخته و فقهایی که حامی این سلاطین خائن هستند. خدایا به حق محمد و آل محمد مسلمانها را مخصوصا شیعه علی بن ابیطالب و شیعه ائمه اثنی عشر هشتاد درصد مردم عراق شیعه مذهب و مستضعفان خدایا مسلمانان را از شر کفار و اجانب و ایادی و عمالشان و این سران خائن نجات بده. خدایا وحدت کلمه بین دلهای مسلمین ایجاد بفرما. ما را به وظایفمان آشنا بفرما. اللهم اخذل الیهود و الکفره، اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا، بجاه محمد و آله.

پیوست شماره ۱۹۴: پیام معظمه به آیت الله العظمی خونی در باره حوادث خونین عراق، مورخه ۱۳۷۰/۱/۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نجف اشرف محضر مبارک مرجع عالیقدر تشیع آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خونی مدظله العالی پس از سلام و تحیت، اوضاع هولناک و حوادث خونین عراق و قتل عام مسلمانان آن کشور و اهانت به ساحت مقدسه عتبات عالیات صانها الله عن الاقات و تخریب بلاد و قری توسط عوامل رژیم بعث و تجاوز به حریم مقدس حوزه علمیه هزارساله نجف اشرف و مقام محترم مرجعیت عامه و بازداشت و تحیت نشمار قسرا دادن حضرتعالی و جمعی از علما اعلام حوزه مقدسه به دنبال مظالم و لجبازیهای ممتد رژیم بعثی و توطئه های مرموز استعمارگران آمریکائی و غربی و صهیونیسم جهانی و کشتارها و تخریبهای بی رحمانه و طمع آنان نسبت به اراضی و ذخاثر و منابع غنی کشورهای اسلامی و همکاری سوان خود فروخته، قلوب همه مسلمانان و آزادیخواهان جهان و از جمله ایران اسلامی راست متاثر و جریحه دار ساخته است. حساسیت اوضاع کنونی عراق به حدی است که کوچکترین مسامحه یا ضعف یا تمایل به معادلات سیاسی سیاست بازان با وجود توطئه های عمیق و پشت پرده جنایتکاران خارجی و داخلی، ضایعات و خسارات جبران ناپذیری را برای کشور عراق و اسلام عزیز به دنبال خواهد داشت. تاریخ گذشته عراق نشان داده است که مراجع عظام و علما اعلام عراق و حوزه مقدسه نجف اشرف بیشترین نقش را در کسب استقلال آن کشور و طرد استعمارگران خارجی داشته اند. و امروز با توجه خاص قدرتهای استعماری جهان بخصوص آمریکای جهانخوار و صهیونیسم جهانی و اشغال نظامی قسمتی از آن کشور توسط آمریکا و متحدین غربی از یک طرف، و جنایات و مظالم رژیم بعث از طرف دیگر، انتظار همه مسلمانان متعهد و نیروهای انقلابی و آزادیخواه این است که حوزه مقدسه نجف اشرف و علما اعلام عراق زیر نظر حضرتعالی ملت مظلوم عراق را در تحصیل استقلال و آزادی کشور هدایت کرده و در مقاطع گوناگون وظائف و تکالیف شرعی مبارزین مسلمان را تعیین و باتاسی به سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام موضعگیریها به شکلی باشد تا فشارها و تهدیدهای داخلی و خارجی کوچکترین خلل و سستی در انجام این وظیفه مهم اسلامی و ملی بوجود نیاید، و انشا الله در پرتو توکل و استمداد از خدا و توسل به ارواح مقدسه ائمه بسزرگوار

شیعه اسلام الله عليهم رهبری حضرات علما و مرجعیت شیعه بتواند با فداکاری و ایثار و تداوم مبارزه و مقاومت، تهاجم‌های آزادیخواه و وظیفه‌شناس عراقی را از هر جناح و صلیت و در هر موقعیتی که هستند بسیج و همبند کند تا انقلاب آن کشور را به پیروزی نهائی و حاکمیت عدالت و آزادی و استقلال واقعی برساند. و بر همه مسلمانان متمکن و سران متعهد کشورهای اسلامی است که از هیچ کمک و مساعدت مادی و معنوی بخصوص رساندن مواد غذایی و دارویی به ملت مظلوم و مبارز عراق دریغ نفرمایند و تنها به اظهار تاسف قناعت نکنند. اینجانب مصیبت شهادت هزاران مسلمان مبارز عراقی و مردان و زنان و بچه‌های بیگناه بی‌پناه را به دست آمریکای مهاجم و مستعمرین غریب و نوکران آنان از یک طرف، و عمال بی‌دین و بی‌وجدان رژیم بعث از طرف دیگر به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و به مراجع معظم بخصوص حضرت تعالی و حوزه‌های علمیه و بازماندگان محترم شهدا و به همه مسلمانان جهان تسلیت می‌گویم، و از خداوند قادر متعال سلامت حضرت تعالی و رفع فشار و خطر از جنابعالی و سایر علمای اعلام و برادران گرفتار و موفقیت نهائی ملت مظلوم عراق و همه مسلمانان جهان را در صحنه‌های مبارزات از صمیم دل مسئلت می‌نمایم والسلام علیکم ورحمات الله وبرکاته

۵ رمضان المبارک ۱۴۱۱

قم، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۹۵: پیام معظمه به مناسبت تشکیل کنفرانس صلح خاورمیانه، مورخه ۱۳۷۰/۵/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا اليهود والنصارى اوليا بعضهم اوليا بعض، و من يتولهم منهم فانه منهم، ان الله لا يهدي القوم الظالمين. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم یقولون نخشی ان تصیبنا دائره فعمی الله ان یتاتی بالفتح او امر من عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم نادمین (المائدہ ۵۲، ۵۱) صدق الله العلی العظیم.

امریکای جهانخوار که به دعوت سران سرسپرده، منطقه خلیج فارس را رسماً اشغال نظامی کرد و به کشتارها و تخریبهای وحشیانه دست زد اینک با احساس پیروزی نظامی و نداشتن رقیب خود را قسیم منطقه فرض کرده و برای کشورهای اسلامی نقشه‌های خطرناک طرح می‌کند، و از جمله تصمیم دارد با تحمیل یک کنفرانس فرمایشی به نام صلح، به اسرائیل غاصب این فرزند نامشروع استعمار شرعیت سیاسی بدهد سران خود فروخته را بر سر میز مذاکره با اسرائیل بنشانند. آمریکا از یک طرف اسرائیل را در جنایتها و آدم‌کشیها و توسعه‌طلبیها و حتی تولید سلاحهای خطرناک آزاد می‌گذارد و کمکهای کلان خود را در اختیار آن می‌گذارد، و از طرفی به نام حمایت از صلح منطقه کشورهای اسلامی را خلع سلاح و یا محدود می‌کند.

خداوند! اسلام به پیروان خود درس ایمان و استقامت و عزت و فداکاری می‌دهد و این همه فداکاری و مردانگی و شهادت در راه حق را تاریخ از مسلمانها ثبت و ضبط کرده است، اینک چه شده است کسانیکه به نام اسلام عزیز بر کشورهای وسیع اسلامی با این همه ذخائر و امکانات مادی و معنوی حکومت می‌کنند این اندازه در مقابل کفر جهانی خودباخته و ذلیلند، به نحوی که برای ادامه چند روز حکومت پوشالی خودشرف و حیثیت خود و ملتشان را می‌فروشند؟ در صورتی که خداوند قادر متعال در آیات کثیره از قرآن کریم از موالاه و دوستی با کفار و اهل کتاب نهی کرده و فرموده است: "و ان تصروا وتقتوا لایضرم کیدهم شیئا" (آل عمران، ۱۲۰). آیا اینسان سرنوشت شوم پادشاهان ظالم و حکام ستمگر را نخوانده و نشنیده‌اند؟ آیا توجه ندارند کسانیکه با فشار استعمار پیر بریتانیا وجود کشور اسرائیل را امضا کردند اینک تاریخ معاصر نام آنان را با چه ننگ و رسوائی یاد می‌کند و الان در جهنم سوزان خدا گرفتارند؟ اینسان اگر فرضاً دین ندارند چرا اقلا مردانگی و شهامت و غیرت را حفظ نمی‌کنند و زیر بار تحمیلات کفر و صهیونیسم جهانی می‌روند؟

باری شرکت در کنفرانسی که اسرائیل غاصب در آن شرکت داشته باشد خیانت به اسلام و شرعیت دادن به اسرائیل و پاکداشتن روی حقوق حقه ملت فلسطین است.

تا حال کدام صاحب خانه با دزد غاصب طماع کنفرانس صلح تشکیل داده و با او بر سر میز مذاکره نشسته است، در این کنفرانس تحمیلی بطور قطع و یقین اسرائیل امتیاز می‌گیرد و یک جو امتیاز نمی‌دهد و فقط ننگ و عار ابندی برای شرکت کنندگان باقی خواهد ماند. هر کشوری که اجازه دهد این کنفرانس تحمیلی در آن کشور تشکیل شود به اسلام عزیز و ملت مظلوم فلسطین خیانت کرده و خونهای پاکهزاران شهید را زیر پا گذاشته است. ملت‌های مسلمان باید به وظیفه مهم خود در برابر حکامی که به آرمان مسلمین خیانت می‌کنند توجه نمایند و در این مساله مهم سرنوشت ساز بی‌تفاوت نمانند. بر حسب نقل مورخین و از جمله طبری (ج ۷ ص ۳۰۰ چاپ لیدن): سالار شهیدان و سرور آزادگان حضرت سیدالشهدا (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: "من رای سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله ناکثا لعهد الله مخالفا لسنة رسول الله (ص) یعمل فی عباد الله بالاثم و العدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله" الحدیث.

سکوت مسلمانان و مردم آزاده جهان در مقابل این رسوائی بزرگ موجب سخط خدا و لعن و نفرین آیندگان خواهد بود. اینک که ملت مظلوم فلسطین برای احقاق حقوق خود و نجات قدس عزیز قیام کرده است و هر روز شهیدانی در این راه مقدس تقدیم می‌نمایند، بر همه مسلمین واجب است آنان را در این جهاد مقدس به هر نحو ممکن یاری کنند و نگذارند بازیهای سیاسی چسراغ این نهضت مقدس را خاموش نماید، آنچه به زور گرفته شده جز به جهاد و زور به دست نمی‌آید و در این میان بیش از همه ملت مسلمان ایران و بخصوص حوزه علمیه قم و مردم شریف و مبارز قم که پایگاه انقلاب اسلامی است باید به این وظیفه مهم توجه نمایند، و انشا الله زمینه پیادشدن وعده امام صادق (ع) بر حسب روایت بحار الانوار مرحوم مجلسی را فراهم نمایند (ج ۵۷ ص ۲۱۶ طبع بیروت). والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین ورحمات الله وبرکاته

۳۰ محرم الحرام ۱۴۱۲ ۱۳۷۰/۵/۲۰

قم حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۹۶: متن پیام معظم‌له به ششمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در داکار
۲ جمادی‌الثانیه ۱۴۱۲ ۱۳۷۰/۹/۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

توسط وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران سنگال داکار ششمین کنفرانس اسلامی و فقها الله تعالی لتقويه الاسلام
سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. "و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مومنین" (آل عمران، ۱۳۹)
"فلا تهنوا و تدعوا الی السلم و انتم الاعلون، والله معکم، و لن یترکم اعمالکم" (محمد، ۳۵) اینجانب با توجه به حساسیت
شرائطی که جلسه سران کشورهای اسلامی و فقهم الله تعالی در آن تشکیل می‌شود بر حسب وظیفه الهی و وجدانی لازم دیدم نکاتی را
تذکر دهم: شما آقایان محترم به خوبی از جریان‌های تلخ این زمان و مصائبی که از ناحیه دشمنان اسلام، اسلام عزیز و مسلمین را
تحت فشار قرار داده‌اید. از طرفی توطئه دیرینه صهیونیسم جهانی با پشتیبانی آمریکا و غرب، مسجداً اقصی قبله اول
مسلمانان و قدس شریف و اراضی مسلمین را اشغال، و در قلب جهان اسلام مانند یک غده سرطان جای گرفته و به کشتار وحشیانه
مسلمین ادامه می‌دهد، و برنامه‌اشغال از نیل تا فرات خود را مجدانه تعقیب می‌نماید، و اینک درصدد است رسمیت خود را نیز به
سران کشورهای اسلامی تحمیل کند، و از طرف دیگر در هند و سریلانکا و منسطق‌های دیگر نیز مسلمانان بی‌دفاع تحت
فشار و ظلم دولتهای خونخوار و ظالم قرار گرفته‌اند. و در مقابل بسیاری از سران کشورهای اسلامی یا در اثر بیگانگی از اسلام
اصیل و ملت خود عمال بیگانگان شده‌اند، و یا در اثر ضعف روحی اتکال به خدا و اعتماد به نفس و قدرت تصمیم‌گیری
را از دست داده‌اند و در نتیجه کشورهای اسلامی دچار تشتت و ضعف و انحطاط شده‌اند. و در این میان آمریکا تنها قدرت انحصاری
تصمیم‌گیرنده در مسائل جهانی شده و خود را قیم و مالک بلامنازع جهان فرض می‌کند. در چنین شرایطی اجتماع شما در این
کنفرانس فرصت بسیار خوبی است و وظیفه الهی و ملی شما بسیار سنگین است، و خدا و اسلام و قرآن و ملت‌های بیدار و
زجر کشیده شما از شما انتظارات بجایی دارند. کشورهایی که تحت نفوذ شماست از نظر قدرت مادی و معنوی و انسانی و ذخایر و
معادن و وسعت و شرائط حیات در حد بالایی است به نحوی که آمریکا و غرب و شرق در حفظ صنایع و تمدن و حیات خود کاملاً به
شما نیاز دارند. آنان به شما نیاز دارند و شما اگر متحد و هماهنگ شوید به آنان نیاز ندارید.

چرا به جای حفظ عزت اسلامی این اندازه خود و ملت‌های مظلوم خود را اسیر و ذلیل قدرتهای استعماری می‌کنید؟ اگر شما به
آیه شریفه: "واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا" عمل کنید و با یکدیگر هماهنگ شوید قطعاً با یک میلیارد جمعیت مسلمان و
این همه ذخائر و معادن و اراضی و امکانات، و مهمتر از همه قدرت معنوی اسلام که قرن‌ها در علم و تمدن و اصلاح جهان
نقش اساسی داشته بزرگترین قدرت جهان خواهید بود، چرا از مجد و عظمت مادی و معنوی خود غافلید؟

شما می‌توانید با اتکال به خدا و اعتماد به نفس و ملتتان در نظم نوین جهان و سوق ملتها به حقیقت و عدالت و مبارزه با
ظلم و فساد و غارتگریها و دفاع از مظلومین جهان پیشقدم باشید. اگر شما اختلافات ساختگی را که به مناسبت‌های مختلف
استعمارگران ایجاد کرده و به آنها دامن می‌زنند کنار بگذارید خدا از شما راضی می‌شود و قدرتی خواهید بود که به فرموده
رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران: آمریکا در مقابل شما هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. آیا ننگ نیست که مسلمین با این همه جمعیت و
قدرت و امکانات در مقابل یک مشت صهیونیست ترورست که از اطراف دنیا جمع شده‌اند ذلیل و ضعیف و تماشاگر
صحنه‌های سیاسی ذلت بار باشند، و احیاناً برخی از مدعیان دروغین اسلام نیز با آنان هم پیمان و هم صدا و صاف کننده راه
تحقق مطامع آنان باشند؟ اگر امروز که سیاست دنیا به نفع آمریکا و صهیونیسم جهانی پیش می‌رود شما سران کشورهای اسلامی
نجنید و شرائط جهان را به نفع اسلام و مسلمین و مستضعفین تغییر ندهید فردا دیر است و شاید دیگر فرصتی به دست نیلورید و
قهر در مقابل ملتها و آیندگان محکوم خواهید بود. امروز که جمهوری اسلامی ایران که کانون انقلاب اسلامی است نیز با شما
همهنگ شده چشم انقلابیون جهان بیشتر متوجه شما شده، و اگر به نفع اسلام و مستضعفین قدم بردارید همه با شما همراه خواهند شد.

قرآن کریم شما را از تولی و همبستگی با کفار نهی فرموده:

"یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و النصارى اولیا بعضهم اولیا بعض و من یتولهم منکم فانه منهم، ان الله لایهدی القوم
الضالین. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم یقولون نخشی ان تصیبنا دائره فعیسی الله ان یتاتی بالفتح او امر من
عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم نادمین" (آل‌مانده، ۵۲، ۵۱)

"یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا و لعباً من الذین اتوا الکتاب من قبلکم و الکفار اولیا واتقوا الله ان
کنتم مومنین" (آل‌مانده، ۵۷)

به خود آید و با یکدیگر متحد و هماهنگ شوید. و راضی نشوید همچون گذشته‌ها کار کنفرانس منحصر در خوش و بش‌های
سیاسی و تصویب یک سری قطعنامه‌های بی‌محتوا و شعارهای تکراری به دور از عمل گردد.
خداوند طائب علمی از حوزه علمیه قم تذکر داد امید است نرنجند و به خود آیند و خود را در مقابل خدا و ملتها و تاریخ رو
سفید کنند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

قم حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۹۷: سخنان معظم‌له در پایان درس خارج فقه و پیام ایشان به شیعیان حجاز و منطقه شرقی در ارتباط با فتورای
استعماری یکی از اعضای مجلس اعلای افتای سعودی و ایراد برخی اتهامات بر شیعه، مورخه ۱۳۷۰/۹/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

مسائلی که اخیراً پیدا شده اینکه همه آقایان توجه دارید در منطقه شرق عربستان (قطیف و احسا و دمام) این قسمت‌ها
شیعه نشین است و خداوند تبارک و تعالی ذخائر و معادن و برکاتش را هم آنجا قرار داده، منطقه نفتی عربستان همین قسمت
است که شیعه نشین است و متأسفانه حکومت سعودی و آمریکا بر آنجا مسلطند، ذخائر و معادن و ثروت را می‌برند و در عین حال

بر سر شیعه‌ها می‌زنند، اصلاً آنها را آدم حساب نمی‌کنند، و به قدری این روحیه ضد تشیع در آل سعود و همچنین در هیئت حاکمه آمریکا قوی شده که شما دیدید صدام با این همه جنایاتی که کرد و همه از دستش ناراحت و عصبانی بودند برای اینکه در عراق مبادا یک وقت شیعه‌ها پا بگیرند صدام را ابقا کردند و هر چه فشار از طرف صدام و حکومت بعث به طرف منطقه شیعه بیاید کمتر سر و صدا دارد اما منطقی‌های دیگر سر و صدایش زیاد است.

این مسأله ضد تشیع در حقیقت ضد اسلام است چون حقیقت اسلام همان اسلام مولی امیرالمؤمنین (ع) و انصاف‌پهار (س) است لذا اینها ضد اسلامند البته اسلامی که با آمریکا و سیاستهای استعماری هماهنگ باشد مورد مخالفت آنها نیست، این همه ظلم و تعدی نسبت به شیعه‌ها را داشتند به جای خود، اخیراً یک ورقه‌ای دست ما رسیده است و آن اینکه یکی از مفتی‌های آنجا حکم کرده به اینکه شیعه‌ها اصلاً کافرند و مشرک و مهندور الدم، ذبیحه آنها حرام است عبارت این طور است:

فلا یحل ذبح الراضی و لا اکل ذبیحته فان الراضی غالباً مشرکون حیث یدعون علی ابن ابیطالب دائماً فی الشده و الرخا حتی فی عرفات والطواف و السعی و یدعون ابنانه و ائمتهم کما سمعناهم مراراً و هذا شرک اکبر و رده عن الاسلام یستحقون القتل علیها کما هم یقولون فی وصف علی (رض) یصفونه باوصاف لاتصلح الا لله کما سمعناهم فی عرفات و هم بذلک مرتدون حیث جعلوه رسا و خالقاً و مستصرفاً فی الکوثر و یعلم الغیب و یملک الضر و النفع و نحو ذلک کما انهم یظعنون فی القصر آن الکریم و یزعمون ان الصحابه حرفوه و حذفوا منه اشیا کثیره تتعلق باهل البیت و اعدائهم فلا یقتلون به و لایرونه دلیلاً. کما انهم ایضاً یظعنون فی اکابر الصحابه کالخلفاء الثلاثه و بقیه العشره و امهات السومنین و مشاهیر الصحابه کانس و جابر و ابی هریره و نحوه هم، فلا یقبلون احادیثهم لانهم کفار فی زعمهم و لایعملون باحادیث الصحیحین الا ما کان عن اهل البیت و یعلقون باحادیث مکتوبه او لادلیل فیها علی ما یقولون.

و لکنهم مع ذلک یناقون فیقولون بالسنتهم ما لیس فی قلوبهم و یخفون فی انفسهم ما لا یدون لک و یقولون من لاتیقه له فلا دین لعلنا تقبل دعواهم فی الاخره و محبه الشرع الخ. فالنفاق عقیده عندهم کفی الله شرهم و صلی الله علی محمد و آله و صحبه و سلم... تاریخ ۱۴۱۲/۳/۲۲ عبدالله بن عبدالرحمن جبرین.

خلاصه واجب القتل دانسته شیعه‌ها را، با این وصف پیدا است که این یک مقدمه‌ای است که می‌خواهند روی شیعه که در عربستان (قطیف و احسا) محصورند فشار بیاورند با اینکه عرض کردم منطبقه اینها منطقه نفت خیز است، نفت مال اینهاست، ذخائر مال اینهاست، مال اینها را غصب می‌کنند تازه آن وقت مهدور الدمشان می‌کنند.

اینجا به عقیده من در درجه اول علما و بزرگان و نویسندگان اینها وظیفه دارند به اندازه‌ای که می‌توانند از این شیعه‌ها حمایت بکنند و این مسأله را کوچک نشمارند. حالا ما که وسیله‌ای نداریم صدایمان هم به جایی نمی‌رسد، من دیشب نشستیم نه به عنوان رد، به عنوان در حقیقت تسلیت و مثلاً دلجوئی از شیعیان آن منطقه، پنج صفحه‌ای نوشتم برای اینکه نکات حدیثی هم در آن هست برای آقایان می‌خوانم و خالی از فایده نیست...

(سپس حضرت آیت الله العظمی منتظری بیانیه خود را که به زبان عربی نوشته بودند قرائت فرمودند که ترجمه آن چنین است):

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهیرین و لعنات الله علی اعدائهم اجمعین. اما بعد، اخیراً ورق کاغذی به دستم رسید که متضمن یک فتوای استعماری از شیخ عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین عضو مجلس اعلیٰ افتا سعودی به تاریخ ۱۴۱۲/۳/۲۲ بود. این ورقه حاوی مسائلی زیر علیه برادران و خواهران شیعه می‌باشد: از طرفی حکم به کفر شیعه و حرمت استفاده از ذبایحشان نموده است و از سویی آنان را از آن جهت که به نظر او مشرکند چون در حق علی و اولاد او علیهم السلام غلو نموده‌اند و علی را با صفاتی یاد می‌کنند که جز خدا کسی صلاحیت آنها را ندارد و او را در حد خدائی و خالق و فعال در عالم وجود بالا می‌برند، مستحق قتل دانسته و از طرف دیگر می‌گویند: شیعیان قرآن کریم را مورد طعن و تحقیر قرار می‌دهند و می‌گویند قرآن تحریف شده است و همچنین بزرگان صحابه پیامبر همچون خلفا سه گانه و امهات مومنین را مورد طعن و ناسزا قرار می‌دهند و با این حال با اعمال نفاق بر زبان چیزی را می‌گویند که در قلب آنها وجود ندارد...

راجع به این حکم باطل و استعماری نامبرده نکاتی را متذکر می‌شوم:

۱- این حرکت شیطنی نه اولین حرکت است در جهت مقاصد اجانب و نه آخرین آن بر کسی پوشیده نیست که شخص نامبرده اولین کسی نیست که در جهت خدمت به سیاست شیطنی اجانب و بیگانگان که شمارشان همواره "تفرقه بینداز و حکومت کن" می‌باشد کمر به شکستن وحدت مسلمانان و روشن نمودن آتش فتنه و اختلاف بین مسلمین بسته است، بلکه پیش از او افراد زیادی بودند که چنین خدمت بزرگی را با جان و شیطاقت نمودند. شخص نامبرده و امثال او به جای آنکه حملات خود را متوجه کسانی سازد که بر خلاف دستور صریح قرآن کریم، یهود و نصاری را دوست و همپیمان خود قرار داده و کشورهای اسلامی را زیر سلطه کفار و اجانب در آورده‌اند، حملات ظالمانه خود را متوجه شیعیان مظلوم نموده که به منظور عمل به حدیث شریف "ثقلین" همواره پیروان و دستداران عترت طاهره پیامبر اکرم (ص) می‌باشند. اینجانب درصدد رد و بحث نسبت به اتهاماتی که نامبرده بر شیعه امامیه که با تمام وجود موحد خالص و مومن به اسلام و قرآن کریم و پیامبر اعظم (ص) عترت طاهریین (ع) می‌باشند وارد نموده نیستم، زیرا اتهامات ذکر شده را علمای بزرگوار شیعه رضوان الله تعالی علیهم کرا را و به طور مشروح و مستدل در کتابهای شریف و تالیفات گرانبهای خود رد کرده و جوابهای قانع کننده داده‌اند، شکر الله سعیم.

آنچه اکنون درصدد آن هست تنها تسلیت و اظهار همدردی با شیعیان مظلوم حجاز و منطقه شرقی است که فعلاً گرفتار

کسانی شده‌اند که خود را به اسلام منسوب نموده و اسلام و علوم آن را در مقاصد استعماری خود در آورده و در پناه حکومت سعودی به ایجاد تفرقه و شکاف در صفوف مسلمانان اشتغال دارند.

ای برادران و خواهران، شما اکنون در سرزمین وحی و جایگاه رسالت مورد ظلم و تجاوز قرار گرفته‌اید، مصیبت‌ها و بلاهایی که بر شما وارد شده و می‌شود را تحمل کنید و صبر پیشه دارید که خدای متعال به صابرین، بدون حد و حساب، اجر و پاداش عطا خواهد نمود” انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب” (زمر، ۱۰).

بر این مصیبت‌ها صبر کنید همان گونه که پیامبر خدا (ص) امیرالمومنین و فاطمه زهرا و عترت طاهریین علیهم‌السلام در برابر کفر و ستم‌شکین و ظلم ظالمین و افرادی که به نام اسلام حق آنان را غصب نموده و خون پاک آنان را مباح دانستند صبر کردند، و همانا شما جز کسانی هستید که پیامبر (ص) آنان را رستگار و اعمالشان را مرضی خداوند دانسته است. سیوطی در کتاب تفسیر خود بنام الدر المنثور ج ۶ ص ۳۷۹ در تفسیر سوره بینه به نقل از جابریین عبدالله چنین آورده است: “جابر می‌گوید روزی ما خدمت پیامبر بودیم که علی از راه رسید آنگاه پیامبر (ص) در حق او فرمود: قسم به خدائی که جانم در دست اوست همانا این مرد و شیعیان او در روز قیامت رستگار و اهل فوز خواهند بود، و آیه شریفه: “ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه” نازل شد، پیامبر (ص) خطاب به علی فرمود: آن کسی که خیر البریه است همانا تو و شیعیانت می‌باشید که روز قیامت راضی و مرضی هستید. همچنین ابن‌مردویه از علی (ع) نقل می‌کند که پیامبر (ص) به من فرمود: “مگر آیه شریفه: ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه را نشنیده‌ای، مراد در این آیه تو و شیعیانت هستید، میعادگاه من با شماها همانا حوض است، و هنگامی که خلافت برای حساب آورده می‌شوند تو و شیعیانت با قیافت‌های شریف و نورانی و ممتاز در حالی که همه شما را می‌بینند برای حساب دعوت می‌شود.”

۲ در اینجا نمونه‌هایی از سفارشات و تاکیدات پیامبر اکرم (ص) در مورد حضرت امیر و عترت طاهریین که در مناسبت‌های مختلف ایراد فرموده‌اند را یاد آور می‌شوم:

یک: عمران بن‌الحصین می‌گوید: پیامبر اکرم (ص) در جانی سه مرتبه فرمود: “شما مردم از علی چه می‌خواهید؟ آنگاه فرمود: همانا علی از من است و من از علی، و اوست ولی و سرپرست هر مومنی بعد از من” (سنن ترمذی، باب مناقب علی بن ابیطالب، ج ۵، ص ۲۹۶). از تامل در کلمه “من بعدی” غفلت نشود که ولی در اینجا به معنای فقط دوستی با علی نیست بلکه مقصود اشاره به مقام امامت و ولایت آن حضرت بعد از پیامبر است، زیرا دوستی با علی مخصوص زمان پس از رحلت پیامبر نمی‌باشد.

دو: در جریان انذار عشیره و فامیل نزدیک پیامبر توسط آن حضرت آمده است که پیامبر اکرم (ص) در حالی که به حضرت امیرالمومنین اشاره می‌کرد فرمود: “همانا این مرد برادر و وصی و خلیفه من می‌باشد، پس باید نسبت به او فرمانبردار و شنوا باشید” (تاریخ طبری ج ۳ ص ۱۷۱ چاپ لیدن، و نیز کامل بن اثیر ج ۲، ص ۶۲).

سه: زید بن ارقم می‌گوید: پیامبر فرمود: “همانا من در بین شما دو چیز را باقی می‌گذارم که اگر به آنها تمسک نمودید و چنگ زدید هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد، و یکی از این دو چیز از دیگری بزرگتر است: کتاب خدا که رسمانی است الهی از طرف خدا بر مردم روی زمین و عترت و اهل‌بیت من، و این دو چیز از یکدیگر هرگز جدا نمی‌شوند تا هنگامی که نزد حوض به من برگردند، پس ای مردم مواظب باشید که چگونه با دو یادگار من عمل خواهید کرد” (ترمذی باب مناقب اهل‌بیت ج ۵ ص ۳۲۸ حدیث ۸۷۶۳).

مضمون این حدیث (تقلین) بین شیعه و سنی متواتر و قطعی است، و معنای تمسک و چنگ زدن به قرآن و عترت که در این روایت مورد تاکید پیامبر اکرم (ص) قرار گرفته بدیهی است که همان حجت و معتبر بودن کتاب خدا و اقوال و سنت عترت و لزوم عمل به آنهاست، پس در حقیقت پیامبر (ص) به امت خود وصیت نموده است که باید به گفتار و روایات عترت او عمل شود و آیا چنین وصیت و دستوری را آن حضرت در مورد فتاوا و اقوال فقهای اربعه که پیشوایان مذاهب اربعه هستند داده است؟ در صورتی که آنان در قرن دوم هجری زندگی می‌کرده‌اند و هرگز پیامبر را ندیده‌اند، پس چه شده است که شیعه که اقوال و سنت عترت طاهره را پس از قرآن کریم اخذ و مورد تمسک و عمل قرار داده‌است کافر است ولی آنهایی که بر خلاف دستور صریح پیامبر اسلام به عترت او پشت کردند و تمسک به آنان ننمودند مسلمان مخلص از کار درآمدند؟ چهار: حضرت امیر (ع) در خطبه دوم نهج‌البلاغه در مورد عترت پیامبر اکرم (ص) چنین فرموده است:

”هیچ کس از این امت را نباید با آل‌محمد (ص) مقایسه نمود و هیچ گاه قدر و منزلت کسانی که از نعمت عترت بهره‌مند می‌شوند را نباید با آنان مساوی دانست، همانا عترت اساس دین و پایهای یقین و معرفتند، هر کس از مسیر عترت جلوتر رفت باید به سمت آنان برگردد و هر کس از آنان عقب افتاد باید خود را به آنان برساند، از خصائص و ویژگیهای عترت همانا حق ولایت و امامت و داشتن وراثت پیامبر و وصیت آن‌بزرگوار در حق آنان می‌باشد.”

و من گمان نمی‌کنم هیچ مسلمان با انصافی جرات کند و حاضر شود فقهای اربعه اهل سنت را در علوم و فضائل بر ائمه شیعه که از عترت طاهره پیامبرند ترجیح دهد، ولی تاریخ شاهد است که سیاست امویین و عباسیین در حق عترت پیامبر کرد آنچه را کرد و تو از سیاست چینی‌دانی و ما ادریک ما السیاسه؟

آیا تمام صحابه پیامبر باید مورد تقدیس باشند؟

۳ بر اساس صریح قرآن و سنت پیامبر بعضی از صحابه رسول‌الله مورد سؤال و اشکال می‌باشند، پس ما چگونه می‌توانیم تمام صحابه پیامبر را چشم بسته تقدیس و مدح نماییم؟ به آیه ۱۴۴ سوره آل‌عمران توجه فرمائید:

”و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم؟” یعنی محمد (ص) نیست مگر پیامبری که پیش از او نیز پیامبرانی بوده‌اند، پس آیا اگر او از دنیا رفت یا کشته شد شما به عقب بر خواهید گشت؟ اما سنت پیامبر:

در کتاب صحیح بخاری ج ۳، ص ۱۲۷ در تفسیر سوره مائده به سند خود از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر (ص) ضمن خطبای چنین فرمود: «آگاه باشید که همانا روز قیامت عدای از مردان امت مرا در سلک اصحاب الشمال برای حساب کشی می‌آورند و من می‌گویم خدایا مگر این اصحاب بیچاره من چه کرده‌اند که با این وضع آورده شده‌اند؟ آنگاه از جانب حق تعالی جواب داده می‌شود: «تو نمی‌دانی اینها بعد از تو چه کارهائی انجام دادند و من همان گفته عبد صالح حضرت عیسی (ع) را می‌گویم که گفت: «و کنت شهيدا عليهم ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت انت الرقيب عليهم، یعنی پروردگارا تا من زنده و در بین مردم بودم شاهد و ناظر اعمال آنان بودم ولی پس از اینکه مرا از دنیا بردی دیگر خودت ناظر و رقیب کارهای آنان بودی. آنگاه از سوی حق تعالی ندا می‌رسد که: «این عده پس از مرگ تو از راه و رسم اسلام مرتد شدند و به پیشینیان خود برگشتند.»

همین روایت را ترمذی نیز در کتاب خود ج ۵ ص ۴ در تفسیر سوره انبیا نقل کرده است و در کتاب مرطبا مالک در بحث از جهاد و شهدا فی سبیل الله ج ۱ ص ۳۰۷ به نقل از ابی‌النضر چنین آمده: پیامبر اکرم (ص) در حق شهدا جنگ احد فرمود: «این شهدا را من در حق آنها شهادت می‌دهم که قطعاً اهل فلاح و نجات هستند. آنگاه ابوبکر صدیق گفت: یا رسول الله مگر ما برادران آنها نیستیم؟ ما نیز نظیر آنان اسلام آوردیم و مثل آنان جهاد کردیم، سپس پیامبر (ص) فرمود: بده ولی نمی‌دانم چه کارهائی بعد از من انجام می‌دهید. در این هنگام ابوبکر بطور مستمر وی در پی گریه کرد و اظهار داشت یا رسول الله آیا بعد از تو ما زنده‌ایم؟ «اکنون به طرفداران ابوبکر می‌گویم هنگامی که پیامبر اکرم (ص) حاضر نشدند بر حقانیت و رستگاری ابوبکر شهادت دهند شما و ما چگونه می‌توانیم چنین شهادتی بدهیم؟

ملاک حقانیت، تداوم مقاومت نسبت به مواضع اصولی مورد بیعت می‌باشد:

صرف اینکه کسی روزگاری از اصحاب پیامبر بود و با آن حضرت بیعت نموده در شهادت بر حقانیت او کافی نیست آنچه ملاک است ایستادگی و مقاومت اوست بر مواضع اولیه خود که در زمان پیامبر با آن حضرت بیعت نموده، شما ملاحظه کنید خداوند متعال در سوره فتح با کسانی که بیعت خود را ناپدید گرفتند و از مواضع اصولی و اولیه خود عدول نمودند چگونه با شدت و عتاب برخورد می‌کند:

«ان الذين يبايعونك انما يبايعون الله يداً الله فوق ايديهم، فمن نكث فانما ينكث على نفسه ومن اوفى بما عاهد عليه الله فسيؤتاه اجره عظيماً»، یعنی: «آنهايي که با تو ای پیامبر بیعت می‌کنند در حقیقت با خدا بیعت می‌کنند زیرا این دست خداست که فوق همه دستها و بالاتر از همه است، و آنهايي که بیعت خود را شکستند و به آن پشت کردند همانا به خودشان ضرر می‌زنند، و آن دستهای که به بیعت و پیمان خود وفا نمودند خداوند به آنان اجری عظیم خواهد داد.» از این آیه شریفه به خوبی استفاده می‌شود که بیعت چه بسا ممکن است شکسته شود پس قهراً قداست و شرافت آن از بین خواهد رفت. باتوجه به این وضع ما چگونه می‌توانیم جریان طلحه و زبیر را با اینکه حرمت خون مسلمانان را از بین بردند و با خلیفه رسول الله حضرت امیرالمومنین وارد جنگ شدند تقدیس و توجیه نماییم؟

و بسا اینکه ما شیعیان اصولاً حرمت و احترام امهات مومنین و همسران پیامبر را چون حریم آن حضرتتد مراعات می‌نماییم ولی چطور می‌توان جریان شورش عائشام المومنین و جنگ او را با خلیفه رسول الله با آن که خداوند صریحاً به همسران پیامبر دستور داده که در خانه‌های خود بنشینند و قرن فی بیوتکن توجیه و تایید نماییم؟

۴ چگونه شیعه امامیه به غلو متهم می‌شود با اینکه از طرفی در فقه شیعه غلات محکوم به گرفتند؟

از باب نمونه: شرایع محقق حلی، کتاب طهارت رکن چهارم که در بحث نجاسات است را ملاحظه کنید می‌فرماید:

«دهم از نجاسات کافر است و ملاک آن خروج شخص از اسلام است و یا انکار ضروری دین، هر چند خود را منسوب به اسلام بدانند، نظیر دوفرقه خوارج و غلات.»

و از طرف دیگر ما شیعیان معتقدیم که در عالم وجود و هستی موثر و خالق جز خدای عز و جل نیست و ائمه ما همگی مخلوقین خدای متعال و تحت ربوبیت او قرار دارند، و اینکه مشاهده می‌کنید ما شیعیان به آثار و یادگارهای پیامبر و ائمه اطهار و بعضی از بزرگان صحابه رسول ائمتکرم می‌شویم علاوه بر آنکه منظور ما از این تبرک، تقرب به سوی حق تعالی و اظهار محبت و مودت نسبت به آنان می‌باشد خود یک امر فطری و عاطفی است برای هر مسلمانی، و نظیر همین تبرک رایج بین ما در بین صحابه رسول الله و همسران آن حضرت «امهات المومنین» رایج و معمول بوده است، از باب نمونه: کتاب الطبقات الکبری ج ۱ ق ۲ ص ۱۳ نقل می‌کند که: «عبدالله بن عمر دست خود را بر منبر شریف رسول الله می‌گذاشت و سپس بر صورت خود می‌مالید.»

بررسی تهمت تحریف قرآن به شیعیان:

۵ این نسبت کذب محض و افترا است به ساحت پاک شیعیان. چگونه می‌توان آن را باور کرد در صورتی که قرآن صریحاً در سوره حجر آیه ۹ می‌فرماید: «انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون» یعنی: ما قرآن را نازل کردیم و خودمان آن را (از هر پیش آمدی) حفظ می‌کنیم. و از طرفی مخالف اعتقاد علما شیعه است. در این رابطه تفسیر مجمع البیان که از تفاسیر معتبر نزد شیعه می‌باشد (ج ۱، ص ۵۱) را ملاحظه کنید، در مورد احتمال زیاد شدن چیزی در قرآن چنین می‌نویسد: «اجماع علما اسلام بر بطلان چنین احتمالی محقق است» و در مورد احتمال نقصان و کم شدن چیزی از آن گرچه چند نفری از ما شیعیان و گروهی به نام حشویه از اهل سنت می‌گویند: «در قرآن تغییراتی به شکل کپشن چیزی از آن رخ داده» ولی آنچه در مذهب ما امامیه پیش علما مذهب صحیح و مورد اعتماد شناخته شده است همانا بر خلاف آن و خلاف این احتمال است، و مرحوم سید مرتضی (قدس سره) در کتاب جواب مسائل طرابلسیات صریحاً این واقعه را متذکر شده و در جاهای مختلفی از کتاب خود در رابطه با بطلان قول به تحریف قرآن می‌گوید: «همان گونه که ما از شهرها و حوادث بزرگ تاریخ و کتب مشهور و معروف اطلاع و شناخت یقینی داریم از مجموعه قرآن و صحت و اعتبار آن نیز شناخت و علم داریم... چگونه ممکن است در قرآن

تحریفی رخ داده باشد در حالی که ما مشاهده می‌کنیم انمه ماعلیهم‌السلام در جاهاتی که مضامین روایات بسایکدیگر اختلاف پیدا کند اصحاب خود را به قرآن ارجاع دادند و قرآن را ملاک درستی و نادرستی روایت مورد اختلاف دانستند: دروسائل‌الشیعه ج ۱۸ ص ۷۹ روایت صحیحی از امام‌صادق نقل شده که آن حضرت فرمود: "هر چیزی که صحت و بطلان آن معلوم نباشد باقرآن و سنت باید مقایسه شود و هر روایتی که با قرآن موافق نبود باطل و مردود است." "در حقیقت قرآن و سنت مقیاس سایر چیزها، و قرآن مقیاس سنجش روایات صحیح از باطل خواهد بود."

همچنین در ج ۱۸ وسائل ص ۷۸ در روایت معتبر سکونی از امام‌صادق چنین آمده: پیامبر اکرم (ص) فرمود: "بی گمان برای هر حقی نشانهای از حقیقت و برای هر کار و یا حرف درستی نشانهای از نور وجود دارد بنابراین معیار، هر آنچه با کتاب خدا موافق بود همان حق است و به آن عمل نمائید و آنچه با آن مخالف بود رهاش کنید."

و در این رابطه روایات زیادی وارد شده است که علاقمندان به کتابهای مربوطه مراجعه فرمایند. هرگز ما نمی‌گوییم هر روایتی در هر کتاب حدیثی ذکر شده باشد قطعاً صحیح و درست است، بلکه باید روایات موجود در کتابهای حدیث نقد و بررسی شود و بسا معیارها و ملاکهای که داریم صحیح از ناصحیح آنها شناخته گردد.

روایات کتب اهل سنت که متضمن تحریف قرآن است:

از باب نمونه در کتاب صحیح بخاری که صحیح‌ترین کتب حدیث اهل سنت می‌باشد در بحث معاریبین، باب سنگسار نمودن زن زانیه‌آستن ضمن روایت طولانی از ابن عباس چنین آمده: "سپس عمر بالای منبر نشست و هنگامی که مودنین ساکت شدند بپاخواست و پس از حمد و ثنای خداوند چنین گفت:

"اما بعد، همانا می‌خواهم حقیقتی را که مقدر شده است آن را بگویم، و به اطلاع همگان برسانم و نمی‌دانم شاید اجل من در دم برسد پس هر کس حقیقت اعلام شده را فهمید و کاملاً درک نمود موظف است تا آنجا که می‌تواند و قدرت دارد آن را به دیگران نیز ابلاغ کند، و هر کس آنرا درست نفهمید حق ندارد مرا متهم به کذب و دروغ بکند. آن حقیقت این است که: خداوند پیامبرش را کسه حق بود بر ما فرستاد، و بر او قرآن کتاب خود را نازل کرد، و از جمله آیاتی که خداوند نازل کرد آیه رجس است و ما آن را خوانستیم و درک نمودیم و قدرت فهم آن را داشتیم، و به دنبال آن، پیامبر افرادی را سنگسار نمود و ما نیز بعد از پیامبر افرادی را سنگسار نمودیم، و من اکنون می‌ترسم که در اثر گذشت زمان آیه رجس فراموش گردد و زمانی کسی بگوید در قرآن آیه رجس وجود نداشته، و بشنود رجس مردم این فریضه الهی را ترک کنند و همراه شوند، در صورتی که حکم رجس در قرآن آمده و در مورد هر زناکار محصن که دو شاهد عادل علیه او شهادت بدهند و یا اعتراف نماید باید حکم رجس جاری شود.

همچنین ما آیهای در قرآن می‌خواندیم: "ان لاترغبوا عن آياتکم فانه کفر بکم ان ترغبوا عن آياتکم..."

شما ملاحظه کنید چگونه خلیفه دوم با قاطعیت و جزم می‌گوید دو آیه از کتاب خدا افتاده است

توجیه صحیح برای روایات تحریف:

به نظر می‌رسد بهترین محمل و توجیه صحیح برای روایات تحریف که هم در کتب شیعه و هم در کتب اهل سنت وارد شده این است که چسب در مقام تفسیر و تشریح بعضی آیات پیامبر اکرم (ص) مطالبی که احياناً مضامین مناسب و مشابه آیات داشته اظهار می‌داشتند و افراد حاضر و مستمع خیال می‌کردند که آنها کلام خدا و جز قرآن بوده است.

بررسی تهمت نفاق به شیعیان:

۶ و در خستام این مقال متذکر می‌شوم: وقتی شیعیان مظلوم خود را گرفتار امثال نامبرده می‌بینند که با یک فتوا و حکم ظالمانه، آنان را کافر و مستحق قتل اعلام می‌دارد آیا راهی جز تقیه برای حفظ جان خود دارند؟

و تقیه شیوه ایست که خداوند در قرآن صریحاً آن را تجویز نموده است، در سوره آل عمران آیه ۲۸ می‌فرماید: "الا ان تتقوا منهم تقیه، یعنی مگر آنکه از دشمنان خود بترسید و مجبور شوید از روی تقیه چیزی بگویند."

در کتاب وسائل ج ۱۱ ص ۴۶۱ خبری صحیح از امام‌صادق (ع) که این مضمون نقل شده است: "تقیه سپر و وسیله حفظ جان مومن است."

عذرخواهی و آخرین تذکر:

سخن به درازا کشید و از خوانندگان گرامی عذر می‌خواهم و مجدداً برادران و خواهران خود را مخاطب قرار داده و خاطر آنان را به این آیه شریفه جلب می‌نمایم: "الذی خلق الموت و الحیوه لیسبلوکم ایکم احسن عملاً" "ملک، آیه ۲ یعنی: خداوند که مرگ و حیات را مقدر فرمود تا شما را مورد ابتلا و سنجش قرار دهد و معلوم گردد کدام یک بهترین عمل را انجام می‌دهید پس ای برادران و خواهران مظلوم بر شما باد که در مقابل این همه بلاها و مصائب صبور و بردبار باشید و بدانید که عاقبت خوبی در انتظار شما خواهد بود، با این حال انتظار و امید فراوان دارم که سایر برادران و خواهران مسلمان شما در سایر کشورهای اسلامی شما را تنها نگذارند و به اندازه قدرت از شما حمایت نمایند. والسلام علیکم ورحماتله و برکاته

۱۰ جمادی‌الثانیه ۱۴۱۲

برادر شما در قم مکرمه حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۹۸: سخنان معظمه در پایان درس خارج فقه به مناسبت حوادث خونین الجزایر، مورخه ۲۱/۱۱/۷۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گرچه صدای من و حتی دیگران نیز به جایی نمی‌رسد ولی متأسفانه دنیا امروز با یک تضاد عجیبی مواجه شده است، از یک طرف سازمانهای جهانی و سازمان ملل و کله گندهای طرفدار نظم نوین جهانی از دموکراسی، عدالت و حقوق مردم صحبت می‌کنند تا آنجا که آمریکا هوس می‌کند در انتخابات کشورهای جهان سوم دخالت کند به بهانه اینکه مبادا حقوق عدلای تضییع شود، البته قهراً در هر انتخاباتی حقوق یکتعه پایمال می‌شود ولی مگر آمریکا قیم دنیا شده است که به بهانه

برقراری دموکراسی و حقوق مردم محروم در همه جا دخالت می‌کند؟ شما ملاحظه کنید این روزها در الجزایر که انتخابات عادی و آزادی انجام شد مسلمانها داشتند پیروز می‌شدند آمریکا چه برخوردی کرد. مسلمانها در مرحله اول انتخابات ۱۴۸ کرسی به دست آوردند در حالی که حکومتی که سر کار بود ۱۶ کرسی توانست به دست آورد این قدر تفاوت وجود داشت ولسی آمریکا و همدستانش چه کردند؟

اکنون علما، دانشمندان و طرفداران اسلام را دارند یکی پس از دیگری تعقیب و بازداشت می‌کنند و حرکت اسلامی را در آن کشور سرکوب می‌نمایند و یک آدم تبعیدی را آوردند و با زور و چماق بر مردم تحمیل نمودند و اکنون در فکر تشکیل دادگاههای نظامی برای محاکمه علما وائمه جمعه و جماعت و وعاظ و هواداران اسلام می‌باشند و همه هم خفه شدند و در برابر این همه مظالم و جنایات سکوت کرده‌اند.

علت این همه مظالم و جنایت این است که مسلمانها سالیان متمادی خواب بودند و اختیارشان را به دست دیگران داده بودند تا آنجا که اکثر سران کشورهای اسلامی خود فروخته و وابسته شدند و ذخائر این کشورها را در اختیار آمریکا و همفکران او قرار می‌دهند پولهایشان را در بانکهای آمریکا می‌گذارند و خودشان هم سرسپرده آنها هستند.

اگر همین سران کشورهای اسلامی به خود می‌آمدند و با هم متحد می‌شدند اوضاع مسلمین عوض می‌شد، یک میلیارد مسلمان را هیچ قدرتی نمی‌تواند مورد تجاوز قرار دهد، ولی حالا کاری کرده‌اند که سه چهار میلیون یهودی صهیونیست در کشورهای اسلامی فعال ما یشا شدند، شما ببینید اسرائیل آزاد است بمب اتمی هم داشته باشد و می‌تواند تولید بکند اما بعضی کشورهای اسلامی نظیر پاکستان، ایران و عراق را به اتهام اینکه بسا در فکر تولید بمب اتمی باشند تحت فشار و تحریم قرار می‌دهند ولی اسرائیل که نوکر و پایگاه آمریکاست باید مجهز و قوی باشد و همه انواع موشکها و حتی بمب اتمی هم داشته باشد و مسلمانها باید ذلیل و ضعیف باشند

گناه این وضع فعلی مسلمانان به گردن سران کشورهای اسلامی و علمای درباری و وابسته به آنهاست پیامبر اکرم (ص) فرمود: صنفان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدا فسدت امتی: الفقهه و الامرا (فساد و صلاح امت اسلام مرهون صلاح و فساد دو صنف است: یکی فقها و علما و دیگری سران حکومتها، اگر این دو صنف افرادی صالح باشند ملتها صالح می‌شوند و هر گاه این دو صنف فاسد شدند ملتها نیزه فساد کشیده می‌شوند.)

و از طرف دیگر بقا و قوام حکومتهای فاسد نیز مرهون حمایتهاست که علمای وابسته از آنان می‌کنند، وگرنه اگر علما و فقهای هر کشوری در مقابل مظالم و جنایات حکومتها ساکت و بی تفاوت نبودند آنها نمی‌توانستند به ملت خودشان این قدر ظلم بکنند. خداوند انشا الله اسلام و مسلمین را از شر اجانب حفظ کند. والسلام علیکم ورحمته.

پیوست شماره ۱۹۹: بیانات معظمله در آغاز درس خارج فقه به مناسبت شهادت دبیر کل حزب الله لبنان و خانواده و همراهان وی مورخه ۱۳۷۰/۱۱/۲۸
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب مستطاب حجه الاسلام مرحوم آقای سید عباس موسوی، دبیر کل جنبش حزب الله لبنان، که اهل بعلبک بودند با خانواده و اطرافیان شهادت رسیدند.

اسلام از همان اول در زمان پیامبر اکرم (ص) از یهود ضربه می‌خورده، و در همه اعصار هم همین طور بوده است، و با اینکه مسلمانان همیشه پایبند منارا می‌کردند و یهودیان که در کشورهای مسیحی زیر فشار بودند به کشورهای اسلامی پناه می‌آوردند و اسلام همواره با آنها با عطف و مهریانی برخورد می‌کرد، ولی متأسفانه اکنون بیشتر مخالفتها با اسلام از ناحیه همینها صورت می‌گیرد.

البته باید یهود را از صهیونیستها جدا کرد، بسیاری از یهودها هستند که با صهیونیستها مخالفند، صهیونیسم یک حزب سیاسی جهانی است، آنها آمریکا را هم می‌گردانند، آمریکا با اینکه حدود ۳۰۰ میلیون جمعیت دارد ۵ الی ۶ میلیون آن یهودی هستند که یک عده از آنها صهیونیستند، و حکومت آمریکا را همینها می‌گردانند، تبلیغات را اینها اداره می‌کنند، هفتاد درصد اقتصاد آمریکا دست اینهاست. بالاخره مصیبت‌هایی که بو مسلمین آلان وارد می‌شود به وسیله همین صهیونیستهاست، آنها دشمنند و دشمن کارش دشمنی است

انسان از این سران کشورهای اسلامی متأسف است که پول خودشان را می‌دهند، آبروی خودشان را می‌دهند، و پای میز مذاکره با اسرائیل می‌نشینند که به اسرائیل غاصب رسمیت بدهند. هر روز شما می‌خوانید یا می‌شنوید که در جنوب لبنان یا فلسطین اشغالی اینها حادث می‌آفرینند، هواپیماهای اینها، هلیکوپترهای اینها، قایقهای اینها هر روز حمله می‌کنند، و فلسطینیهای آواره را به قتل می‌رسانند. و از طرف دیگر می‌بینیم که سازمانهای حقوق بشر، سازمان ملل و طرفداران به اصطلاح دموکراسی سکوت مرگبار نمودند؟

کشوری که اساسش بر غصب است، بر غصب سرزمینهای مسلمانان، چرا تا این حد زور می‌گوید؟ هر روز حمله می‌کند و سازمانهای حقوقی هم ساکتند، و آمریکا هم از آنها حمایت می‌کند. و آن وقت این سران کشورهای اسلامی و حتی سوریه که خود را انقلابی و در خط مقدم جهمی داند بازی می‌خورند. می‌بینید که به اینها بها نمی‌دهند، می‌بینید که در این به اصطلاح کنفرانسهای صلح می‌روند و آنها اینها را مسخره کرده و ملهه قرار می‌دهند، اسرائیل می‌گوید یک وجب زمین هم پس نمی‌دهم. معذک از غول آمریکا می‌ترسند و شرکت می‌کنند. آمریکا غول خیالی است و انسان نباید مرعوب غولهای خیالی بشود، انسان نباید اهل ترس و طمع باشد که ترس و طمع پدر ملتها را درمی‌آورد.

انسان باید شجاع باشد، عاقل باشد، طماع نباشد، خود و وجدانش را نفروشد، برخی به طمع و خیال می‌روند پسای میز

مذاکره و اسرائیل هم آنها را مسخره می‌کند، به خودش رسمیت می‌دهد. کنفرانس در مسکو برگزار می‌کنند آن وقت مخارجش را از نفت عربستان یا کویت یا امارات تأمین می‌کنند، بدبختی تا چه اندازه است که پول‌هائی را که خداوند برای مسلمین ذخیره قرار داده است در چه راههائی به مصرف می‌رسانند.

خداوند به حق محمد و آل محمد اسلام و مسلمین را از شر مستکبرین و زورگویان و خودخواهان و خودپرستان و دنیپرستان حفظ کند.

خدا انشا الله مرحوم حجاج الاسلام سید عباس موسوی را که من زیاد ایشان را دیده بودم و واقعا فردی دلسوز برای اسلام و مسلمین و شدیداً ضد صهیونیست بودند مورد غفران و رحمت خویش قرار دهد، و درجات ایشان و سایر کسانی که همراه ایشان به شهادت رسیدند را متعالی کند، و به همه بازماندگان و برادران و خواهران لبنانی صبر و اجر عنایت فرماید. و به مسلمانان غیرت عطا کند که ذخایر مسلمین را خرج مسلمانان کنند نه خرج قدرت آمریکا و صهیونیستها. اللهم انصر الاسلام والمسلمین و اخلل الکفار و المنافقین.

اللهم انصر من نصر الدین و اخلل من خلل المسلمین، بجاه محمد و آله الطاهیرین .

پیوست شماره ۲۰۰: بیانات معظمه در پایان درس خارج فقه به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی در افغانستان، مورخه ۱۳۷۱/۲/۷

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

از مسائلی که این روزها تا اندازه‌ای خوشحال کننده است مساله پیروزی برادران ما در افغانستان می‌باشد. بالاخره بعد از سیزده سال مبارزه و پشتکار و شهید دادن و چهار پنج میلیون آواره، فعالیت و جهادشان بحمد الله به پیروزی رسید و حکومت مارکسیستی کمونیستی افغانستان سقوط کرد. ما ضمن اینکه این پیروزی را به همه برادران و خواهران افغانی و به علما و فضلاء افغانستان و به همه مسلمین جهان تبریک عرض می‌کنیم تذکر می‌دهیم به برادران که خیال نکنند دیگر کار تمام شده، البته خیلی فعالیت کردند و شهید زیاد دادند، بیش از یک میلیون شهید دادند، افغانیها انصافاً پشتکارشان در مبارزات و جنگها که داشتند قابل تقدیر است و لسی خیال نکنند که کار تمام شده است، تازه اول کار است، و بایستی مواظب باشند که هدف، حکومت کردن نیست، حکومت بایستی وسیله باشد نه هدف. این گروههائی که مبارزه می‌کردند باینها همه به اسم اسلام فعالیت می‌کردند، این همه شهیدان برای اسلام شهید شدند، بایستی که حکومت را وسیله‌ای برای حفظ ارزشهای اسلامی و مقررات اسلام و دستورات اسلام قرار بدهند.

در کارهایشان سیره پیامبر اکرم (ص) که انصافاً (ع) را الگو و نمونه قرار بدهند. غرضشان پیاده شدن اسلام باشد، خدمت به مردم باشد، حالا که پیروز شدند نخواهند خدای ناکرده از مردم انتقام بگیرند.

ما وقتی که می‌بینیم پیامبر اکرم (ص) که فتح مکه (با اینکه مکه کانون مخالفت با پیغمبر اکرم بود جنگهای مهمی علیه پیغمبر اکرم به راه انداختند، ابوسفیان و صفوان بن امیه و همین سران مکه بودند که این جنگها را به راه می‌انداختند و این همه مسلمانها شهید شدند) وقتی که پیغمبر اکرم مکه را فتح کرد، می‌شد حساب همه اینها را برسد، اما پیغمبر که نمی‌خواست انتقام بگیرد، پیغمبر اکرم (ص) فرمود: "ما تظنون انی فاعل بکم" به نظر شما من با شما چه بکنم، گفتند: "آخ کریم و ابن آخ کریم" شما مرد بزرگواری هستید، فرمود: "اذهبوا فانتم الطلقاء" همه شما آزادید، و ابوسفیان که سر دسته آن کفار و مشرکین بود پیغمبر اکرم خانه او را خانه امن قرار داد، نخواست خونریزی بکند، نخواست جنگ و ستیز زیاد بکند. در جنگ حنین با اینکه مالک بن عوف سی هزار نیرو علیه پیغمبر جمع کرد و گفت: مردم مکه بی‌عرضگی کرده بودند و ما بحساب محمد می‌رسیم، یک چنین جسارتهائی داشت، معذک وقتی که پیغمبر اکرم پیروز شد سراغ گرفت "مالک کجاست" گفتند: "به طائف فرار کرده، فرمود: به او بگوئید اگر بیاید و تسلیم شود خودش را آزاد می‌کنم و اهلش و مالش را به او تحویل می‌دهم و صد شتر هم اضافه به او می‌دهم. خیلی عجیب است و بعد در اثر این که مالک اطمینان داشت که پیغمبر اکرم امین است و هر چه بگوید راست است، دروغ نمی‌گوید (مثل کارهائی که سیاستمداران دنیا امروز وعده می‌دهند به افراد و تخلف می‌کنند نبوده) پیغمبر کارهایش سیاسی و دروغی نبوده است سیاست بوده اما سیاسی واقعی نبوده است. مالک به محض اینکه خبر به او رسید آمد در جمرانه خودش را معرفی کرد و پیغمبر اکرم هم به این وعده عمل کرد و بعد یکی از مبارزین اسلام که در جنگ شامات و غیره خیلی فعالیت داشت همین مالک بود.

این گروههائی که حالا پیروز شدند از مردم افغانستان یا از گروههای دیگر نخواهند انتقام جویی بکنند، و توجه داشته باشند که این پیروزی مربوط به یک گروه خاص و یا اشخاص خاصی نیست. کشور افغانستان از طبقات مختلف، از زبانها، نژادها و مذہبهای مختلف تشکیل شده هم شیعه دارد هم سنی، همه اینها یک واقعیتی است که در افغانستان وجود دارد. یک گروه خاص یا یک قشر خاص نخواهند این پیروزی را اختصاص به خودشان بدهند و حقوق دیگران را زیر پا بگذارند، همه گروهها شهید دادند، همه فعالیت کردند و به واسطه فعالیت همه بود که این پیروزی پیدا شد. اگر چنانچه بعضی از گروهها بخواهند به دیگران زور بگویند و قیم دیگران بشوند و خیال کنند دیگران باید مطیع اینها باشند این خودش بزرگترین ظلم است. بایستی تمام این گروههائی که در نهضت افغانستان شریک بودند و فعالیت داشتند مورد مشورت قرار بگیرند و به آنها بها داده شود.

اداره کردن یک کشور از جنگ و پیروزی خیلی مهمتر است و نیرو خیلی لازم دارد، و از کسانی که کار آزموده‌اند و سیزده سال مبارزه کرده‌اند برای اداره کشور بهتر می‌شود استفاده کرد. این خود مسجوری و انحصارطلبی و خودبینی که ما انسانها متأسفانه گرفتار هستیم اخلاق بدی است و خلاصه مواظب باشند ظلم نکنند که "الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم". مگر این حکومتها چقدر دوام و بقا دارد. این همه حکومتهای مقتدر در عالم بوده است که همه از بین رفتند و ساقط شدند. اگر کار نیک

کردند اسسشان در تاریخ به خوبی ثبت شده است و هم در قیامت ماجورند، اگر ظلم و تعنی کردند هم در تاریخ نامشان به ننگ و نفرین ذکر می‌شود و هم در قیامت باید پاسخگو باشند.

خلاصه شما که بر این کشور مسلط شده‌اید نکند خدای ناکرده کاری بکنید که مردم و ملت بگوسند صد رحمت به آنها که کمونیست بودند چهره اسلام را کریه نکنید به اسم اسلام شما گروه‌ها که روی کار آمده‌اید بایستی اخلاق اسلام، دستورات اسلام، عفو اسلام، گذشت اسلام و آن سعه صدر اسلام را مدنظر داشته باشید، و برای اداره کشور هم اعتماد به نفس داشته باشید، چشم به این دولت و به آن دولت و این حکومتها و ... نداشته باشید. ممکن است که همه کشورها یک طمعی داشته باشند و بیایند سراغ شما و وعده‌هایی بدهند. خودتان اعتماد بنفس داشته باشید، با هم متحد و هماهنگ باشید. اگر گروه‌ها از شیعه، سنی، پشتو، ازبک و ... متحد و هماهنگ شدند افغانستان که زمینه‌کشاورزی خیلی خوب است و گاز و منابع زیاد دارد، می‌توانند در آینده کشورشان را با اعتماد به نفس انشا الله اداره کنند، و مواظب هم باشید مفرور نشوید که غرور انسان را شکست می‌دهد.

خداوند انشا الله دل‌های برادران و خواهران افغانی را با همدیگر متحد و هماهنگ کند و خدا به آنها توفیق بدهد بتوانند کشور خودشان را مطابق موازین اسلام خوب بسازند و حقوق همه افراد و طبقات را انشا الله مراعات کنند. خدا انشا الله شهدایشان را هم با شهدای صدر اسلام محشور کند. خداوند انشا الله فرجی هم برای سایر مسلمانانی که در کشورهای دیگر گرفتار کفار و اجانب هستند، مسلمانهای فلسطین، الجزایر، کشمیر، برمه (میانمار) این مسلمانهای میانمار خیلی وضع بدی دارند، دو سست سیصد هزار مسلمان در بنگلادش آواره شده‌اند. خود بنگلادش یک کشور فقیری است آن وقت این بیچاره‌ها آنجا آواره شده‌اند. چقدر ظلم و تعنی به آنها شده است روزنامه‌ها می‌نویسند در این چادرها هر روز یک عده از گرسنگی، از تشنگی، از بی‌دارونی تلف می‌شوند و این سازمانهای حقوقی دنیا هم این جور جاها برای مسلمانها ساکنند، اما اگر یک اسرائیلی یک جوری بشود معرکه می‌گیرند و حقوق بشر و سازمان ملل و همه برایش روضه خورانی می‌کنند. اما مسلمانهای ضعیف مثل این همه مسلمانهای فلسطین چقدر هر روزه از آنها شهید و مجروح می‌شوند، مسلمانهای میانمار، کشمیر و جاهای دیگر ولی معذک این سازمانهای بین‌المللی آن جور که باید از آنها حمایت نمی‌کنند. خداوند انشا الله برای همه مسلمانهای گرفتار فرجی برساند. خداوند انشا الله اسلام را در همه جا پیروز کند و به همه ما هم توفیق بدهد بتوانیم به اندازه قدرتمان به اسلام و مسلمین خدمت کنیم. خداوند شر کفار و اجانب را به خودشان برگرداند.

خدایا تعجیل در فرج امام زمان (عج) بفرما. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیوست شماره ۲۰۱: بیانات معظمه در آغاز درس خارج فقه به مناسبت کشتار مسلمانان در بوسنی و هرزگوین، مورخه ۱۳۷۱/۸/۹

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

انسان هر چه می‌خواهد مشغول مطالعه و درس باشد با این اوضاعی که مسلمانان دنیا دارند نمی‌شود، مگر انسان هیچ غیرت نداشته باشد والا فکر انسان راحت نیست تا مشغول کر و بحث باشد.

یک وقتی همین اسپانیای فعلی عمده‌اش در تصرف مسلمانان بود و مسیحی‌ها آنها را قتل‌عام کردند و عده زیادی را کشتند، مساجد را اشغال و خراب کردند، مسلمانان را آواره کردند و فاتحه مسلمانان در اسپانیا خوانده شد. حالا هم در همین قسمت یوگسلاوی سابق تقریباً هفت‌هشت میلیون مسلمان هستند و زینها را در بوسنی و هرزگوین قتل‌عام می‌کنند، هر روز انسان می‌شنود یکی از شهرهای مسلمان را اشغال کردند، خانه‌ها را روی سرشان خراب می‌کنند، به نوامیس آنها تجاوز می‌کنند، به وضع فجیع آنها را می‌کشند و هیچ اوزشی برای آنها قائل نیستند. حکومت یوگسلاوی سر تا پا مسلح بود و حلالا سلاحها در اختیار صربهاست و مسلمانها دست خالی‌اند، و اگر هم کسانی بخواهند کمکی به آنها بکنند آن را مصادره می‌کنند و نمی‌گذارند سلاح و مهمات و مواد غذایی به آنها برسد و با وضع فجیعی همه را دارند می‌کشند، و متأسفانه این سازمانهای جهانی، سازمان ملل و حقوق بشر و اینها همه خفقان گرفته‌اند. مساله کویت که پیش می‌آید آمریکا و فرانسه و انگلستان همه می‌آیند به عنوان دفاع از کویت، که مثلاً افراد خیال کنند در آنها برای افراد سوخته است، در حالی که کویت پایگاه نفتی بود و می‌خواستند این مرکز را در خاورمیانه در اختیار داشته باشند. هیچ وقت آنها به فکر مردم محروم و ضعیف و مخصوصاً مسلمانان نیستند و به قتل‌عام مسلمانها راضی هستند، و بدبخت آن کشورها و آنهایی که چشم دوخته‌اند به کشورهای غربی و آمریکا و بانک جهانی و حقوق بشر و سازمان ملل که اینها سبب خرابی کشورها و برای تامین عدالت کاری بکنند و مثلاً بیایند و سرمایه‌گذاری بکنند و کمک کنند، این دیگر خیلی بدبختی است. آنها اگر بیایند برای استفاده خودشان می‌آیند و هیچ وقت به فکر کشورهای اسلامی نیستند، سرمایه‌گذاری هم بکنند برای غارتگری اموال و ثروتهاست و این بدبختی است که مسلمانها به آنها چشم‌دوخته‌اند.

اگر مسلمانها همین آیه شریفه را مورد توجه و عمل قرار می‌دادند: "یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود والنصارى اولیا بعضهم اولیا بعض ومن یتولهم منکم فانه منہم" اینهایی که کشورهای مسیحی و یهودی را "اولیا" می‌گیرند "منہم" هستند، اینها مسلمان نیستند. "ان الله لایهدی القوم الظالمین فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم یقولون نخشی ان تصیبا دائره" اینها برای اینکه می‌خواهند مقام خودشان را حفظ کنند و چهار صباحی بر سر ملت‌های ضعیف و محروم مسلط باشند و ثروتهای آنها را غارت کنند می‌روند با آنها می‌سازند و الا آنها کی به فکر مسلمانان هستند؟

خداوند انشا الله به حق محمد و آل محمد به مسلمانان، به سرن کشورهای اسلامی، به اینهایی که دارند به اسم اسلام حکومت می‌کنند یک‌غیرتی بدهد تا یک حرکتی برایشان پیدا شود و اعتراض کنند، فقط کاری که دارند می‌کنند اینکه اسرائیل را به رسمیت بشناسند، نماینده‌های کشورهای اسلامی جمع می‌شوند که به اسرائیل رسمیت بدهند تا مثلاً از نظر اقتصادی دستش باز

باشد و آزاد باشد، اسرائیل یعنی یک پایگاه آمریکا، یعنی لانه جاسوسی آمریکا در مرکز کشورهای اسلامی، اسرائیل کشور که نیست این در حقیقت ایالت پنجاه و یکم آمریکا است. آنوقت این بدبختها برای این که می‌خواهند خودشان را حفظ کنند آوانس می‌دهند به اسرائیل اما به فکر مسلمانهایی که دارند در بوسنی و هرزگوین قتل‌عام می‌شوند نیستند. من در روزنامه خواندم که همین صربها می‌خواستند از پدر و مادر دختری اقرار بگیرند، به دختر هفتساله در حضور پدر و مادر تجاوز کردند و دختر تلف شد، یا مثلا دونفر از آن لاتنها بر سر زن مسلمان آبستنی شرط بندی کردند که بچه او دختر است یا پسر و با کارد به شکم آن زن مسلمان زدند و پاره کردند تا ببینند دختر است یا پسر، این جور کارهای وحشیانه را که در تاریخ کمتر بوده است انجام می‌دهند، آن وقت اگر دیگران بخواهند سلاح و مهمات و غذا به این بدبختها رسانده شود سازمانهای جهانی ممانعت می‌کنند اما سلاح یوگسلاوی سابق تمام در اختیار صربهاست.

واقعا همه تکلیف دارند هر کس به اندازه قدرتش از مسلمانها دفاع کند "من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین قلم یجبهه فلیس بمسلم". آنها ندایشان بلند است که ما مسلمانیم و به گناه مسلمانان قتل‌عام می‌شویم، هفتاد درصد زمینهایشان را تصاحب کردند، شهرهایشان را خراب کردند، یک عدشان را آواره کردند و آن بیچارهها می‌گویند حاضریم علف بیابان و برگ درختان را بخوریم، اما سلاح و مهمات نداریم سلاح و مهمات باید به آنها رسانده شود. همه کسانی که قدرت دارند هیچ نباید مراعات دیپلماسی‌های جهانی و پرستیژ و سیاستهای جهانی را نمایند. واجب است که مسلمانها اعتراض کنند، حرکت کنند، و از نظر مالی و سلاح و نیرو به هر نحو ممکن به آنها کمک کنند و قطع رابطه کنند با آن کشورهایی که ساکت نشستند، یا از صربها حمایت می‌کنند. بالاخره مجامع جهانی سکوت کرده‌اند و مسلمانها غافل و بی‌بهره می‌کند و این جور که پیش می‌رود می‌خواهند اسلام در دنیا نباشد، از اسلام می‌ترسند، از دین خدا می‌ترسند، و ما بدبختها امید داریم آمریکا و اروپا بیایند به نفع کشورهای ما اقدام کنند، یا سرمایه‌گذاری کنند. خیال می‌کنیم آنها برای ما چیزی می‌آورند.

من یادم هست در زمان شاه ۳۵ نفر از سرمایه‌داران آمریکا می‌خواستند در ایران سرمایه‌گذاری کنند و من با مرحوم آیت‌الله ربانی شیرازی رحمه‌الله علیه یک چیزی نوشتیم، بعد مرحوم آیت‌الله سعیدی رحمه‌الله علیه آمد و گفت حیف که این امضا ندارد. اگر هفت هشت تا امضا داشت بهتر بود، گفتم شما برو افرادی پیدا کن امضا کنند من هم حاضریم امضا کنم، رفت چیزی نوشت و با امضا خودش فرستاد برای همه، و جانش را در همین راه گذاشت.

خداوند به حق محمد و آل محمد همه شهدای ما را با شهدای صدر اسلام و با شهدای کربلا محشور کند. خدایا شر کفار و

اجانب و دشمنان را به خودشان برگردان.

به مسلمانها قوت و قدرت عنایت بفرما، به مسلمانهایی هم که تمکن دارند از نظر قدرت و مقام و مال غیرت بده تا حرکت کنند و به کشورهای دیگر اعتراض کنند که سکوت و بی‌تفاوتی بودن گناه بزرگی است. ما که دستمان خالی است و با ابراز تاجر لاف صدایمان را برسانیم به دنیا کمترین اینها این قدر بی‌غیرتند و ساکت نشستند. خدایا به حق محمد و آل محمد صلوات‌الله و سلامه علیهم اجمعین صاحب ما را به زودی برسان.

پیوست شماره ۲۰۲: بیانات معظمه در آغاز درس خارج فقه درباره تخریب مسجد بامری هند و دیگر حوادث جهان اسلام مورخه ۱۳۷۱/۹/۱۷

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هرچند مساله درس خیلی مهم است و درس خواندن برای آقایانی که قدرت و استعداد دارند در این شرائط لازم است و ما زیاد نیاز داریم به علمانی که درس خوانده باشند، در عین حال متعهد باشند و با مسائل روز هم آشنا باشند و بتوانند از اسلام دفاع کنند. امروز روزی نیست که انسان یک گوشه‌ای درس بخواند و کاری به دنیا و به حوادثی که در دنیا می‌گذرد نداشته باشد. همه ما در مقابل حوادثی که در دنیا علیه اسلام و مسلمین می‌گذرد مسئولیت داریم. چیزی که هست در درجه اول باید انسان مسلح به سلاح علمی باشد و مسلح به تقوا باشد، در عین حال خودش را مجهز کند به چیزهایی که برای دفاع از اسلام لازم است. ما می‌خواستیم در میان رابخوانیم ولی گفته شد اعلام شده است که تعطیل باشد. امروز مسائل مهمی مطرح است. یک مساله، همین مساله مسجد بامری در هند است و لو یک مسجد است اما این مسجد مظهر اسلام است و سالهاست می‌خواهند اصلا اسلام‌زدانی کنند از هند، این منحصر به هند هم نیست این سیاست اسلام‌زدانی در همه جا هست و عامل اصلی آن استعمار جهانی و سازمان سیا و سازمانهای جاسوسی دنیا و صهیونیستها هستند که از اسلام سیلی خورده‌اند، می‌خواهند یا اسلام نباشد یا اسلام فقط یک آب و رنگ ظاهری داشته باشد و عمق نداشته باشد. تعبیر می‌کنند اصول‌گرایان، مثل اینکه این اصول‌گرایان را آنها به عنوان دم می‌گویند، می‌گویند مثلا اصول‌گرایان در مصر علیه دولت مصر فعالیت کردند، گانه مثل اینکه یک فحشی دارند می‌دهند، در صورتی که این مدح است، اصول‌گرایان یعنی آنهایی که به ریشه اسلام توجه دارند، اسلامی کوچک سر و صورت ظاهری درست کنی و عمق نداشته باشد چه ارزشی دارد؟ بالاخره این حادثه‌ای که اخیرا در هند اتفاق افتاد و هندوها این مسجد معظمی که در هند بود، مسجد بامری را، خراب کردند و دولت هند هم می‌گوید بله، مثل اینکه اشتباه شده یا مثلا فرض بگیریم درستش می‌کنیم و آباد می‌کنیم. دولت هند در این جهت صددرصد مقصر است. برای اینکه خود آنها جلوتر گفته بودند، خود آنها می‌دانستند که هندوها دارند به طرف مسجد حرکت می‌کنند و همین طور که خبرگزارها خبر می‌دهند مامورین دولتی آنجا فعالیتی نکردند، دفاع نکردند، در صورتی که دولت هند اگر تمدنی دارد، فرهنگ دارد، مال اسلام است، اسلام و حکومتهای اسلامی در هند مردم را رشد علمی دادند، رشد فرهنگی دادند، و مظاهر عظمت هند مال مسلمانهاست و در عین حال به اصطلاح ما نمک به حرامی می‌کنند و این نمک به حرامی در دنیا هست، مسلمانها در اندلس علم و دانش را به همه اروپا فرستادند و اروپاییها استفاده کردند، اروپای وحشی از علم و تمدن و صنعت و فرهنگ مسلمانها استفاده کردند، ولی مع‌ذکب ریشه اسلام را زدند و مسلمانها را قتل‌عام کردند. الان هم باز در اروپا، در همین بوسنی و هرزگوین می‌بینیم

دارند مسلمانها را قتل عام می کنند، سازمانهای جهانی هم طفره می روند، متأسفانه در کنفرانس اسلامی هم حدود پنجاه کشور اسلامی اجتماع کردند، کاری انجام ندادند چرا؟ برای اینکه همه اینها از سازمان ملل می خواهند یک کاری انجام دهد، سازمان ملل یک دستگامی است که کشورهای و قدرتهای بزرگ به وسیله آن می خواهند اهداف خودشان را در دنیا پیاده کنند، حقوق بشر و سازمان ملل و عفو بین الملل و اینها خیلی هایش بازیچه است. اینها برای تضعیف کشورهای جهان سوم و زور گفتن به آنها حقوق بشر را سر و صدا می کنند. حقوق بشر الان در بوسنی و هرزگوین چطور زیر پا گذاشته می شود، در فلسطین یهودیها فلسطینیها را قتل عام می کردند، حالا هم دارند این طور می کنند، ولی معذرت این سازمانهای حقوق بشر کشور ایران و بعضی کشورهای مثل ایران را زیر سوال می برند. من نمی خواهم بگویم حالا هیچ جا خلاقی نیست اما جنایات بزرگ را نادیده می گیرند، من حالا یک قسمتی از روزنامه جمهوری اسلامی را آوردم برای آقایان بخوانم که ببینند چه جنایاتی آنجا مرتکب شده اند، برای اینکه اگر بگویم آقایان بروند مطالعه کنند نمی روند. علی ای حال این جنایاتی که انجام می شود چه در هند چه در بوسنی و هرزگوین چه در فلسطین، کشورهای اسلامی، مسلمانها مسئولیت دارند، حق ندارند ساکت باشند، ما حداکثر می توانیم یک راهپیمایی بکنیم، یک اظهار تنفری بکنیم، یک فاتحه ای بخوانیم، یک حمدی برایشان بخوانیم، اما پنجاه تا کشور اسلامی جمع شدند، اینها قدرت دارند، نفت و گاز که وسیله گردش چرخ صنعت دنیا است دست کشورهای اسلامی است. عربستان و قطر و همین کشورهای که در ظاهر ضعیفند اینها مقتدرند، قدرت نفتی دست اینهاست، اما متأسفانه وابستگی دارند و الا پنجاه تا کشور اسلامی می توانند فشار بیاورند به کشورهای بزرگ، نه اینکه فقط یک کنفرانس بگیریم، بعد هم از سازمان ملل بخواهیم که این کار را بکند بعد هم بیایند و بگویند نخیر نباید دخالت مسلحانه کرد، مسلمانها آنجا قتل عام بشوند به وسیله اسلحه و گلوله سابق و صربستان، و مسلمانها دستشان خالی باشد و سلاح نداشته باشند؟ اینها مصیبت است که در دنیا می گذرد. علی ای حال دولتها وظیفه دارند، هم در مورد مساله هند و هم مساله بوسنی و هرزگوین و هم مساله فلسطین باید اعتراض کنند، در بعضی جاها تهدید به قطع رابطه کنند، مثلاً روابط اقتصادی شان را محدود کنند. این مسائل، مسائل خیلی مهمی است که در دنیا می گذرد، سکوت کردن روا نیست و گناه است.

من به شما عرض کنم خدا شاهد است که هر چه می گویم قصدم خداست و برای انجام وظیفه است، همان سیاستی که مسجد باری را خراب می کند، همان سیاستی که در بوسنی و هرزگوین مسلمانها را قتل عام می کند، در فلسطین مسلمانها را شکنجه می دهند، زندان می کنند قتل عام می کنند، همان سیاست است که در مجامع علمی فقهات و مرجعیت و روحانیت را تضعیف می کند. خراب کردن مسجد باری خیلی جنایت بزرگی است، نگویید خوب مسجد آجر است و خشت، نخیر مظهر اسلام است، شعار اسلام است، مرکز اسلام است، به اعتباری که کانون اسلامی است، حمله به آن حمله به اسلام است. حمله به حریم مرجعیت و فقهات و روحانیت به هر نحوی باشد این هم حمله به اسلام است، مرجعیت شیعه همیشه در وقتهای حساس که حکومتها انحرافاتی داشتند، اشتباهاتی داشتند، حافظ استقلال مسلمین بوده، حافظ اسلام بوده است. مرحوم میرزای شیرازی اعلی الله مقامه با یک فتوایش آن برنامه ای را که قرارداد استعماری ناصرالدین شاه با تالیوت انگلیسی بود به هم زد و ضربه زد به انگلستان، و اینها از همان وقتها به فکر افتادند مرجعیت را کوچک کنند، تحقیر کنند، مرجعیت را خراب کنند، مرجعیت را خراب کردند، حمله کردند، اهانتهای این کارهایی که چهارتا بچه یک وقت می بینی برای مراجع وظیفه معین می کنند، اینها با لامل به ضرر اسلام و به ضرر تشیع است. همیشه علما و مراجع بودند که اسلام و تشیع را حفظ می کردند در مقابل دولتهای استعماری مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی (ره) با قدرت مرجعیتشان بود که توانستند این انقلاب را به پیروزی برسانند و الا همه یادتان هست مرحوم آیت الله کاشانی خیلی فعالیت می کرد، تبعیدش کردند، زندانش کردند، اعلامیه می داد، نتوانست کاری بکند، برای اینکه مراجع با او همراه نبودند، اما مرحوم امام قدس سره با همان قدرت مرجعیتش توانست پیروز بشود، لذا سازمانهای کفر جهانی، استعمار، سازمان سیا به فکر تضعیف روحانیت و مرجعیت افتادند. آنهایی که همه جا ایادی دارند، متأسفانه در حوزه ما هم احتمالاً داشته باشند.

در نجف مرحوم آخوند خراسانی که از موسسین مشروطیت بود وقتی دید قضایا وارونه شد، مشروطیت کارش به جانی رسید که حاج شیخ فضل الله نوری را به دار زدند و کف زدند، مرحوم آخوند تصمیم گرفت بیاید ایران و قضیه را برگرداند، شب مرحوم آیت الله حاج سید اسماعیل صدر را دعوت می کند در خانه شان و می گوید من تصمیم دارم بروم در ایران و قضایا را برگردانم، مرحوم آقای صدر گفته بود که ما قول دادیم با او همراهی بکنیم، ایشان گفته بود اذان صبح خبر دادند که مرحوم آخوند دیشب سگته کرده است. آخوند سالم همین که تصمیم می گیرد به ایران بیاید سگته می کند. بعد هم همان علمائی که در مشروطیت بودند و چه بسا در دلشان هم با دار زدن حاج شیخ فضل الله نوری موافق بودند خود آنها را هم ترور کردند، حاج سید عبدالله بهبهانی را هم ترور کردند، این ایادی همیشه بودند و هستند، بنابراین همان سیاست استعماری که مسجد باری را خراب می کند و مسلمانها را تضعیف می کند و اسلام را می خواهد از هند بیرون بفرستد، همان سیاستی کمی خواهد در قلب اروپا اسلام نباشد و دارند مسلمانها را قتل عام می کنند، همان سیاست مقام مرجعیت و فقهات را تضعیف می کند، تسنل می دهد، حمله می کنند، علیه علما اعلامیه پرانی می کنند، والله از گناهان کبیره است این کاغذ پرانی هائی که می شود، و مسئولین هم اگر ساکت باشند گناه است، مسئولین هم وظیفه دارند در مقابل این کارها اقدام بکنند، الراضی بفعل قوم کالداخل فیه معهم، باید جلو این چیزها گرفته شود.

من یک حدیث برایتان بخوانم (کافی ج ۲ ص ۲۵۸) از امام صادق علیه السلام: "من روی علی مومن روایه برید بها شینه و هدم مروته لیسقطمن اعین الناس اخرجه الله من ولايته الى ولاية الشيطان فلا يقبله الشيطان" کسی که علیه یک مومنی یک چیزی را نقل کند و بخواهد او را تعییب کند، شخصیتش را خرد کند، برای اینکه از چشم مردم بیفتد، چنین کسی از ولایت خدا منقطع می شود، شیطان هم تحویلش نمی گیرد، می فرماید فلا يقبله الشيطان، یعنی این قدر گناهش بزرگ است. این کاغذ پرانی چیست علیه علما و بزرگان می کنند و همه ساکت هستند؟ والله گناه بزرگیست و توبعاش قبول نیست کسی که این کار را

بکند، مگر اینکه اعلام بکند که من کردم و اشتباه کردم و گناه کردم و الا اگر فقط بگوید پیش خدا توبه کردم توبه‌اش قبول نیست، همیشه در شهرها مراجع داشتیم علما داشتیم بزرگان داشتیم، اینها حامی اسلام و تشیع بودند، در مقابل انحرافهای حکومتها ایستادگی می‌کردند، همه را ما خرد بکنیم، در حوزه و غیر حوزه علما را تضعیف کنیم من یک داستانی برایتان نقل بکنم، حجلاً سلام آقای شیخ مصطفی رهنما را می‌شناسید، ایشان یک کارهایی می‌کرد، مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی دل خوشی از او نداشت برای اینکه گاهی از اوقات یک چیزهایی همین طور می‌نوشت، ولی آدم خیلی متدینی است، ما با هم زندان بودیم، یک وقتی مرحوم حاج احمد گفته بود صبح رفتم دیدم که همین طور آیت‌الله بروجردی راه می‌رود و ناراحت است، لا اله الا الله، لا اله الا الله می‌گوید و اوقاتش تلخ شده است و می‌گفت من دیشب تا صبح نخوابیدم، پرسیدم چرا آقا نخوابیدید؟ گفتند برای اینکه آشیخ مصطفی رهنما را گرفتند، گفتم خوب آقا او که با شما خیلی خوب نیست، شما هم که خیلی با روش او موافق نیستی، گفتند نه، من شخصاً با او جور نیستم یک مساله است، اما گرفتن او اهانت به من است، اهانت به روحانیت است اینکه بی جهت مزاحم یک روحانی بشوند. اگر یک روحانی جنایت کرده، دزدی کرده، خیانت کرده روحانی جنایت نمی‌کند، این جانی بوده آمده روحانی شده باید بفرستندش دادگاه و همان جرمی که جنایت معین کرده اجرا بکنند، ما که نمی‌گوییم آخوندها معصومند، اما اینکه بی روحانیت را تضعیف کنیم، کم‌کم مراجع و علما و فقها را که بین مردم موقعیت دارند و مردم از آنها حرف شنوی دارند تحقیر و تضعیف کنیم، مسلماً سر نخ این سیاست در سازمان سیا و استعمار جهانی است ولو به دست افراد سالم انجام شود، اینها گناه است و هر کس بتواند و جلو نگیرد گناهکار است در این جهت، من برای اتمام حجت عرض کردم، بایستی که مراجع و بزرگان و فقها موقعیتشان محفوظ باشد، حریمشان محفوظ باشد، احترامشان محفوظ باشد نباید چهارتا بچه حق داشته باشند بردارند و یک چیزی را پخش کنند و هیچ چیزی نگویند. علی‌ای حال با این همه جنایاتی که انجام می‌شود بخواهیم هم درس بخوانیم نمی‌شود. ما کار دیگر که نمی‌توانیم بکنیم، برای اظهار تنفر از این عملی که در هند واقع شده در سازمان را تعطیل می‌کنیم. حدود ۲۰۰ میلیون مسلمان در هند هست، خراب کردن مسجد بامبری در حقیقت بی‌احترامی به اسلام و بیش از یک میلیارد مسلمان است، این مربوط به هند نیست، مربوط به همه جهان اسلام است. علی‌ای حال سزاوار است که آقایان هم راهپیمایی کنند، اعتراض کنند، به هر نحو که می‌توانید اعتراضتان را برسانید. برای شادی روح مسلمانانی که هم در هند هم در بوسنی و هرزگورین و همد فلسطین هر روز به شهادت می‌رسند ما این مجلسان را تبدیل می‌کنیم به مجلس فاتحهای برای شادی روح همه مسلمانها و همبزرگان گذشته، یک حمد و سه قل هوائه آقایان اهدا کنند. اللهم صل علی محمد و آل محمد، ... اللهم انصر الاسلام والمسلمین و اخذل الکفار والمنافقین، اللهم انصر من نصر الدین و اخذل من خذل المسلمین بجاه محمد و آله الطاهرين.

سپس حضرت آیت‌الله العظمی منتظری قسمتی از روزنامه جمهوری اسلامی مورخه شنبه ۱۴/۹/۷۱ را که از کتاب "بوسنی در خون" نقل کرده در آن جنایات صریحاً در ۳۹ قسمت مختلف تقسیم بندی شده بود را قرائت کردند.

پیوست شماره ۲۰۳: پرسش از عقیده معظمله در ارتباط با فدک و پاسخ ایشان، مورخه ۱۳۷۲/۲/۱۶

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حضرت آیت‌الله العظمی جناب آقای منتظری دام تبرکاته

ضمن عرض سلام خدمت حضرتعالی، مدتی است که در بعضی محافل مطرح می‌شود که عقیده شما این است که فدک جز اموال مسلمین بوده و گرفتن آن توسط خلفا اشکالی نداشته است، اینجانب که یکی از مقلدین شما هستم تصمیم گرفتم مساله را از خود شما سوال کنم لطفاً نظر خودتان را برای ما بنویسید. متشکرم.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پس از سلام و تحییت، موضوع نامبرده تهمت است ناروا. در اینکه فدک در اختیار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بود و آن را به حضرت زهرا سلام الله علیها بخشیدند تردیدی نیست و روایات شیعه و سنی بر این امر دلالت دارد.

و پس از رحلت پیامبر (ص) کسی حق نداشت بر خلاف عملی که آن حضرت انجام داده اقدام نماید، منتهی کسانی اشکال می‌کردند که چرا پیامبر (ص) فدک را که در آن زمان منطقه وسیع و منسب درآمد خوبی بود تنها به حضرت زهرا (ع) دادند، در صورتی که اسلام دین مساوات است و اوضاع مسلمانان در آن زمان خوب نبود و مهاجرین عموماً و اصحاب صفا خصوصاً در مضیقه و فشار بودند و خود پیامبر اکرم و زنان آن حضرت و هم چنین علی (ع) و حضرت زهرا زندگی فقیرانه و زاهدانه‌ای داشتند.

اینجانب بر حسب استنباط از روایات و منابع تاریخی اسلام می‌گفتم پیامبر اکرم فدک را که به حضرت زهرا (ع) دادند نه فقط به جهت اینکه دخترشان بود دادند، بلکه به جهت اینکه در خانه علی (ع) بودند و فاطمه و علی از یکدیگر جدا نبودند و بیت آنان بیت امامت آینده مسلمین بود، با اعطا فدک به حضرت زهرا (ع) می‌خواستند بیت امامت آینده را از نظر مالی تحکیم کنند تا پس از وفات آن حضرت دستشان خالی نباشد. پس در حقیقت پیامبر (ص) می‌خواستند فدک را به بیت امامت و رهبری آینده بدهند ولی به حضرت زهرا دادند تا به احترام اینکه دختر پیامبر است در آن طمع نکنند و نگیرند و بر فرض که بگیرند چنانچه گرفتند وقاحت عمل آنان بارز و ظاهر باشد و دلیل محکمی بر مظلومیت آنان باشد، پس مساله فدک با مساله امامت عترت پیامبر گره خورده است. ولذا وقتی که هارون الرشید به حضرت موسی بن جعفر (ع) گفت: حدود فدک را مشخص کنید تا سه شما برگردانم، حضرت حدود فدک را حدود کشور اسلام معرفی کرد. پس هارون گفت: "فلم یبق لنا شیء" یعنی: پس برای ما چیزی باقی نماند.

و خلاصه کلام اینکه پیامبر اکرم (ص) به منظور تحکیم مالی بیت امامت فدک را به حضرت زهرا (ع) دادند چنانچه مخالفین نیز به خاطر تضعیف آن بیت آن را گرفتند، مقتضی است به مجلد سوم کتاب ولایه الفقیه اینجانب صفحه ۳۲۹ و بعد از آن مراجعه شود.

والسلام علیکم ورحماتہ و برکاتہ

۱۴ ذی القعدة ۱۴۱۳ ۱۳۷۲/۲/۱۶

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۰۴: بیانات معظمه در پایان درس خارج فقه پیرامون مسائل فلسطین، مورخه ۱۳۷۲/۶/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

از سرکز مدیریت حوزه پیغام دادهاند که فردا درسهای صبح تعطیل باشد به عنوان اعتراض به مساله فلسطین و آقایان راهپیمائی نکنند. مساله فلسطین از مسائل مهم اسلام است و یک نکته در کلام آقایان کمتر دیده می شود که این نکته را تجزیه و تحلیل کنند. دو تا مساله است، یکوقت است مثلاً مثل عرفات و اینها می گویند بله ما همه اراضی را از دستمان گرفتند و اشغال کردند حالا هم زورمان رسیده و نوار غزه و اریحا را پس می گیریم، اگر این باشد انسان البته از دست دشمن بتواند هر مقدار از مال خود را پس بگیرد خیلی خوب است اما مساله این نیست، مساله این است که دارند اسرائیل را به رسمیت می شناسند به عنوان یک دولت در این منطقه یعنی اسرائیل مفت نمی یازد، اولاً که استقلال کامل به اینها نمی دهد، علاوه بر این مساله این است که اسرائیل را به رسمیت بشناسند در صورتی که اسرائیل یک حکومت غاصب است در سرزمینهای مسلمانها، البته در فلسطین مسیحی و یهودی هم وجود داشته، فلسطین مال مردم فلسطینی است اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی، اما اینها که دولت اسرائیل را تشکیل دادند اینها که اهل اینجا نبودند سیاستمداران آمریکا، اروپا و انگلیس اینها را از همجا جمع کردند و استعمار جهانی یک پایگاه نظامی برای خودش در وسط کشورهای اسلامی برقرار کرد و از هر نظر صحرش کردند.

مشکل اسرائیلی ها این بود که مساله انتفاضه و مساله حماس خواب راحت را از اسرائیلی ها گرفته بود. اینها نه اینکه دلشان برای فلسطینی هایا برای عرفات سوخته بود که بخواهند یک تکه زمین به او بدهند، اینها این آتش که مشتعل شده و دارد ریشه اسرائیل را می زند که همان مساله انتفاضه باشد می خواهند به این وسیله این آتش را خاموش کنند و اسرائیل را به رسمیت بشناسند و کم کم کشورهای عربی هم به رسمیت بشناسند و کشورهای عربی هم بشود بازار مصرف اسرائیل، اسرائیل از خدا دلش می خواهد که اینجا یک کانونی باشد که مصنوعات خودش را به کشورهای اسلامی بفروشد و پولهای نفت آنها را بگیرد و انتفاضه هم خاموش شود تا خیال خودش راحت باشد. آنچه مورد اشکال است این نیست که چرا شما یک مقدار کم زمین از اسرائیل پس گرفتاید و اگر بتوانیم پس بگیریم باید واقعا همایش را پس گرفت اما چیزی که به زور گرفته شده باید به زور پس گرفت و آنها پس نمی دهند، و فلسطین مال اسرائیل نیست مال مردم فلسطینی است، و قدس مال مردم فلسطین فقط هم نیست مال همه مسلمین است و کسی حق ندارد بیاید روی مسجد الاقصی معامله بکند.

نوار غزه و اریحا را گرفتن یک مساله است، اما مساله قدس چه می شود که مال همه مسلمانان است؟ سایر اراضی اشغالی چه می شود؟ حقوق فلسطینی ها که تزییع شده چه می شود؟ آنچه مشکل ماست این است.

متأسفانه کشورهای اسلامی با همه امکانات و قدرتی که دارند معذک از قدرشان استفاده نکردند و مطیع صد درصد استعمار شدند. استعمار دارد پایه های اسرائیل را محکم می کند و اینها هم دارند تایید می کنند، البته گفتند بله حالا یک خرده از اراضی اشغالی را می گیریم علی ای حال آنچه مورد اعتراض ماست این معناست، به رسمیت شناختن اسرائیل، و اینکه یک کشوری باشد ذی حق، دزدی که آمده در خانه گوئیم بله صاحب حقی و یک گوشه اش را به ما بده، و این یک گوشه اش را هم صد درصد به شما نمی دهند، و بالاخره بر همه ماست که بسایین معنا اعتراض بکنیم (به رسمیت شناختن اسرائیل) اسرائیل هم خیال کرده است بدین وسیله راحت از دست انتفاضه نجات پیدا می کند. در قرآن کریم خداوند فرموده است اینها تا روز قیامت گرفتارند و از تاذن ربک لیبعثن علیهم الی یوم القیامه من یسومهم سو العذاب ان یرکلسریع العقاب. "این ظلمها که اسرائیلی ها و صهیونیستها کرده اند اگر خیال کردند که از دست فلسطینی ها و مسلمانها نجات پیدا می کنند نه، نجات پیدا نمی کنند و در روایات رعه داده شده است که اهل قم هم انشا الله سبب می شوند که فلسطین به دست مسلمانان فتح بشود. اهل قم انشا الله و حوزه علمیه قم مطابق روایتی که در بحار است در این جهت نقشی دارد. بالاخره انشا الله انتفاضه برقرار است و فلسطینی ها اگر بخواهند ساکت باشند باخته اند. اینها همه عرفات را آورده اند میان، که عرفات انتفاضه و حماس را ساکت و آرام کند، و مسلمین وظیفه شان این است که دفاع بکنند از اراضی اسلامی و مخصوصاً از مسجد قدس که متعلقه همه مسلمین است و هیچکس حق ندارد روی آن معامله بکند. علی ای حال فردا را بدین مناسبت گفتند که درسهای صبح تعطیل باشد.

خداوند انشا الله به حق محمد و آل محمد (ص) شر کفار و اجانب و دشمنان را از سر اسلام و مسلمین برطرف نماید. خدا انشا الله فلسطین و کشمیر و بوسنی و جاهای دیگر را که مسلمانان گرفتارند نجاتشان بدهد، خداوند به همه ما توفیق بدهد که در هر شرایطی از اسلام و مسلمین دفاع بکنیم. والسلام علیکم جیعا و رحمت الله و برکاتہ

پیوست شماره ۲۰۵: بیانات معظمه در آغاز درس خارج فقه به مناسبت ولادت حضرت معصومه (س) یادآوری مشکلات جهان اسلام مورخه ۷۳/۱/۲۳، اول ذی القعدة ۱۴۱۴

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعین

طبق نقلی که شده امروز روز ولادت حضرت معصومه سلام الله علیها است، البته من چیزی برای این پیدا نکردم که ولادت ایشان چه روزی بوده است لابد آقایان تحقیق کرده اند. آنچه مهم است تشرف ما به شهر قم می باشد و اینکه در زیر لوای حضرت معصومه (س)

زندگی می‌کنیم. از امام زادگانی که ان‌هم‌علیهم‌السلام روی آن زیاد تاکید کرده‌اند حضرت معصومه (س) است و این دلیل بر اهمیت موقعیت ایشان است. مرحوم مجلسی نقل می‌کند قبل از آنکه حضرت موسی بن جعفر (ع) مستور شد شده باشد امام‌صادق (ع) فرمودند: که خدا حرمی دارد و حرم خدا مکه است، پیغمبر (ص) حرمی دارد مدینه، و امیرالمومنین (ع) حرمی دارد کوفه و ما اهل بیت (ع) حرمی داریم و حرم ما اهل بیت قم است بعد می‌فرماید: "ستدفن فیہ امراء من ولدی تسمى فاطمه" یکی از اولاد من در آینده به قم می‌آید به نام فاطمه و در آنجا دفن می‌شود و هر کس او را زیارت کند "وجبت له الجنة" بهشت برای او واجب می‌شود و از حضرت رضا (ع) ظاهراً به چند سند هست که هر کس زیارت کند خواهر من فاطمه (س) را در قم "فله الجنة".

یک سال بعد از آنکه مامون حضرت رضا (ع) را به خراسان احضار کرد و حضرت به آنجا تشریف بردند، حضرت معصومه (س) به عنوان زیارت‌برادرشان حرکت کردند و در ساره مریض شدند و ایشان را به قم منتقل نمودند و در قم از دنیا رفتند، و خود حضرت رضا (ع) فرمودند که هر کس زیارت کند خواهر مرا در قم فله الجنة، منتهی "عارفا بحقها" (بعضی نقلهایش دارد که همین طور حضرت جواد (ع) فرمودند هر کس عمه مرا در قم زیارت کند بهشت از برای او است و حضرت رضا (ع) دستور زیارت حضرت معصومه (س) را اینطور که مرحوم مجلسی (ره) نقل می‌کنند بیان فرمودند: برو به قبله بایستید و ۳۴ مرتبه الله اکبر و ۳۳ مرتبه سبحان الله و ۳۳ مرتبه الحمد لله و بعد این زیارت را بخوانید. اینکه زیارت مخصوص امامزاده‌ای داشته باشد به بیان خود امام (ع) این خیلی اهمیت دارد. بحار ج ۹۹ ص ۲۶۵ برای زیارت حضرت معصومه (س) یک باب ذکر کرده و روایات محکمی دارد. به هر حال به فرمایش سه امام (امام‌صادق و امام‌رضا و امام‌جواد (ع)) هر کس حضرت معصومه (س) را زیارت کند "فله الجنة" این خیلی مهم است "عارفا بحقها".

حالا برای ما افتخار است که زیر پرچم حضرت معصومه (س) هستیم. آقایان سعی کنند به زیارت حضرت زیادتر و بیشتر بروند. اصولاً زیارت‌ها برای انسان حالی می‌آورد، این دنیای آلوده، این گرفتاری‌هایی که ما داریم، خلاصه خواهی خواهی همه گرفتار علائق دنیا، مقام دنیا، مال دنیا و این جور چیزها هستیم. غفلت برای انسان زیاد پیدا می‌شود و رفتن به اعتبار مقدسه و آنها را شفیع قرار دادن توجه انسان را جلب می‌کند بلکه انسان علائقش کمتر بشود و در ضمن در دعاها و ایتان هم همیشه دعای شخصی نداشته باشید، امروز دعاهای عمومی برای جهان اسلام خیلی مهم است و واقعا مسلمانها غریب‌اند. اینکه در روایات دارد اسلام "بد غربیا و سیعود غربیا" الان است. بیش از یک میلیارد مسلمان در دنیا داریم، بی‌سرپرستند، ضعیفند. شما ببینید یک اسرائیل سه چهار میلیون می‌شود مثل غده سرطان آن را بین کشورهای اسلامی کاشتند، هر روز تقویتش می‌کنند به او هواپیما و وسائل جنگی می‌دهند. در صنایع نظامی، حتی صنایع اتمی دستش باز و آزاد است که هر کار می‌خواهد بکند، اما کشورهای اسلامی حق ندارند صنایع پیشرفته داشته باشند، هم‌ماش کنترل می‌شود.

خلاصه یک وقتی سیاست دنیا دو قطبی بود، قطب شرق و قطب غرب، و در اثر اینکه دو قطب تضاد داشتند از ترس یکدیگر با یک‌زورهای به دنیا نمی‌گفتند و جهان سوم یک نفس راحتی بوسین دو قطب با می‌کشید اما حالا جهان در حقیقت یک قطبی است حتی شوروی هم در زیر سلطه و از اقطار آمریکا است، و سران کشورهای اسلامی هم خود باخته و خود فروخته هر کدام برای حفظ یک موقعیت مختصر خودشان امکانات کشورشان را، نفتشان را، گازشان را، اینها همه را می‌دهند، از دلارهایشان هم بانکهای آمریکا استفاده می‌کنند اینها هم خودشان اسیر و ذلیل آنها هستند. آن وقت می‌بینید مثلا در مرکز اروپا الان این مساله جنگ بوسنی هرزگوین چیز کوچکی نیست و شما در تاریخ می‌خوانید اسپانیا یک کشور اسلامی متمدنی بود که اروپا را تحت تاثیر قرار داده بود، علوم اسلامی از راه اسپانیا به اروپا سرایت کرد فرانسه و کشورهای دیگر اروپا همه از آن تمدن و علم اسپانیا استفاده کردند ولی مسیحیت تصمیم گرفتند که مسلمانان را از بین ببرند کسب کردند و قتل‌عام کردند. الان هم تصمیم گرفتند همین کشور بوسنی هرزگوین را از بین ببرند. سازمان ملل و کشورهای اسلامی هم گاهی از اوقات حرفی برای خالی نبودن عریضه می‌زنند ولی اگر تصمیم می‌گرفتند، اینها قدرت اقتصادی دارند اگر چنانچه یک ماه نفت و گازشان رابه اروپا و آمریکا ببندند آنها را فلج می‌کنند اما چنین عرضهای ندارند. بالنتیجه الان اسلام غریب است، مسلمانان غریبند، با اینکه یک میلیاردند چون بینشان وحدت کلمه و هماهنگی نیست آن بوسنی و هرزگوین آن جور است که در حقیقت می‌خواهند اسلام را از اروپا منقرض کنند. در فلسطین می‌بینید فلسطینی‌ها را بازی داده‌اند. اسرائیل هر روز مسلمانان را پای میز مذاکره می‌کشاند، جز اینکه ذلیل کند مسلمانان را هیچ نتیجه‌ای ندارد، چیزی که اسرائیل به زور گرفتند است پس نخواهد داد، باید به زور از او گرفت و مسلمانان قدرت دارند منتهی بی‌عرضه‌اند. کشورهای اسلامی اگر چنانچه عرضه داشتند می‌توانستند اسرائیل را داغان کنند، ولی متاسفانه همه می‌خواهند او را به رسمیت بشناسند روابط اقتصادی هم برقرار کنند. هر روز دشمن دارد پیش می‌آید مسلمانان هم عقبگرد می‌کنند و متاسفانه دنیا هم که یک قطبی شده دیگر آن چیزی که جلو زور را هم بگیرد نیست ما هم که قدرت مقابله نداریم تا جلو زور همه دنیا بایستیم. پس بنا بر این در دعاها و ایتان به مشاهده مشرفه که می‌روید، در نمازهایتان اگر دعا برای کارهای شخصی خودتان می‌کنید، برای کارهای اجتماعی، برای جهان اسلام هم دعا کنید، اللهم اصلح کل فاسد من امور المسلمین بگوئید، اللهم انصر الاسلام والمسلمین و اخلف الکفار و المنافقین، اینجور دعاها را هم از صمیم قلب داشته باشید، بلکه ان‌شا الله خداوند در فرج صاحب امر تعجیل کند و شر دشمنان اسلام و مسلمین برطرف بشود.

بحق محمد و آل محمد خداوند ما را از شیعیان ائمهاطهار (ع) و از شیعیان و پیروان حضرت معصومه (س) مقرر فرماید و اینکه در زیارتش همیشه می‌خوانیم یا فاطمه اشغعی لی فی الجنة و ان لک عند الله شاناً من الشان، خدایا این دعا را در حق ما مستجاب فرما. والسلام علیکم جمیعا و رحمات الله و برکاته

پیوست شماره ۲۰۶: بیانات معظمله در آغاز درس خارج فقه به مناسبت کشتار بیرحمانه مسلمانان شهر گوراژده در بوسنی مورخه ۲۹/۱/۷۳

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

متأسفانه داستان ما مسلمانان مثل داستان علما مسیحی است که می‌گویند وقتی که قسطنطنیه را گرفتند و اشغال کردند دیدند در مدرسه طلاب مسیحی بحث می‌کنند که آیا ناسوت حضرت عیسی (ع) را به صلیب کشیدند یا لاهوتش را در صورتی که کشورشان و شهرشان هم‌چیزشان اشغال شده بود اینها سرشان به این جهت بند بود. ما مسلمانان از اطراف مورد هجوم واقع شدیم از درد ناچاری سرمان را به مسائل غیر اصولی بند کردیم.

شما اخبار را گوش می‌دهید سازمان ملل با اینکه شهر گورژده را منطقه امن اعلام کردند و مسلمانان بی‌پناه را به آنجا جذب کردند حالا این شهر مورد هجوم واقع شده و این طور که از رادیوها استفاده می‌شود این شهر سقوط کرده. در جریان جنگ بوسنی این طور که می‌نویسند حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار مسلمان کشته شدند بیش از دو میلیون آواره شدند (با حالت گریه) بیش از ۵۰ هزار زن مسلمان مورد تجاوز کفار قرار گرفتند زن و بچه‌شان همه آواره کوهها شدند، و سازمان ملل هم به نظر می‌آید به صربها خط می‌دهد به جای اینکه جلو بمباران صربها را بگیرد، با اسرئو و فراد کردن صربها به بمباران ادامه دادند تا بالاخره شهر سقوط کرد. عینا همان جریان اندلس و اسپانیای سابق دارد تکرار می‌شود تاریخ همیشه تکرار می‌شود. اندلس یکی از پایگاههای اسلام بود و مرکز تمدن هم بود، اروپا از علم آنها از همه چیز آنها استفاده کردند ولی معذک مسلمانان را در اندلس قتل‌عام کردند و اندلس را از جغرافیای اسلام حذف کردند. الان هم همان نقشه است می‌خواهند یک پایگاه اسلامی در منطقه اروپا نباشد هم آمریکا هم اروپا اسلام را از آنجا دارند محو می‌کنند و مسلمانان را قتل‌عام می‌کنند. از آن طرف پای اسرائیل را به کشورهای اسلامی باز کرده‌اند و در همین کشور عمان هیات اسرائیلی آمده‌اند و از آنان پذیرایی می‌کنند و فردا عربستان هم می‌روند، امارات هم می‌روند و خلاصه تمام این قتل‌عامهایی که اسرائیل کرد و اشغال اراضی و اینها همه پاداش این است که یک اسرائیل قدرتمندی که بمب اتمی هم داشته باشد در منطقه باشد اشکال ندارد اما کشورهای اسلامی چنانچه بخواهند خودشان را مجهز کنند برای دفاع در موارد ضرورت این قدر برایشان مهر که می‌گیرند، سازمان ملل و شورای امنیت چقدر برایشان مهر که می‌گیرند، و رسماً رادیو می‌گفت مسلمانهای شهر گورژده استمداد کردند از مسلمانهای دنیا و کمک خواستند، "من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم"، آن وقت بیش از یک میلیارد مسلمان ساکت بنشینند آمریکا و اسرائیل و انگلستان و صربها هر کار می‌خواهند بکنند و ما صدایمان در نیاید. حالا اقلاً می‌توانیم که صدایمان در بیاید و دادی بسزیم. اینکه الان دارند مسلمانان را قتل‌عام می‌کنند و شهرهایشان را یکی پس از دیگری اشغال می‌کنند جای این است که همه مسلمانان دنیا اعتراض کنند، راهپیمائی کنند، راهپیمائی که مرونه نمی‌خواهد اقلاً مقدمات راهپیمائی سروصدائی، شعاری، تلگرافی، بالاخره این ساکت نشستن درست نیست. ما هر چه می‌خواهیم در این مسائل چیزی نگوئیم ولی انسان نمی‌تواند، وجدان انسان ناراحت است. بعضی افراد می‌گویند ما اصلاً رادیو گوش نمی‌دهیم، روزنامه نمی‌خوانیم، من تعجب می‌کنم در دنیای امروز، دنیای امروز که همه به هم مربوط است و مثل یک خانواده است چطور انسان می‌تواند در مقابل ظلم و تعدی که به زنان مسلمان می‌شود بی‌تفاوت باشد، همین طور شلیک کردند و بیمارستان را موشک انداخته‌اند، قتل‌عام می‌کنند مردم را، زن و بچه‌هایشان به کوهستانها آواره، و ما ساکت بنشینیم و بی‌تفاوت باشیم، بی‌تفاوت بودن گناه بزرگی است. بنابراین به هر جوری می‌توانند بیایستی مسلمانان بفهمانند که ما این جنایات را می‌فهمیم. ما می‌فهمیم دست اسرائیل را باز گذاشته‌اند هر چه می‌خواهد می‌کند. به چمناسبت کشور عمان اسرائیل را راه می‌دهد و در امور با اسرائیل مشورت می‌کنند؟ پیداست اینها همه دستور آمریکاست، اینها از خودشان خوددیتی ندارند، این سران کشورها هر چه آمریکا بگوید، هر چه اربابشان دستور بدهد انجام می‌دهند. هم امکانات کشورهای اسلامی را می‌دهند به آمریکا و انگلستان و فرانسه و هم نوکر آنها هستند و معذک اگر یک جا بخواهند مسلمانان یک حرفی بزنند سر و صدا راه می‌اندازند. در اروپا برای یک سگ اگر دیده باشید راهپیمائی می‌کنند، اما حالا این همه مسلمانان را صربها دارند قتل‌عام می‌کنند سازمان ملل هم ادعای عجز می‌کند که نمی‌توانیم برویم و دخالت کنیم. باطنا خودشان خط می‌دهند به آنها برای اینکه می‌خواهند این اندلس دوپروچود نیاید.

خلاصه نسل آینده، ما مسلمانان را لعن می‌کند. امروز خیلی کار می‌شود کرد، کشورهای اسلامی امروز می‌توانند اقلاً امکاناتشان را ندهند به کفار، نفت، بنزین و گاز همین کشورهای اسلامی است که دارد چرخ اقتصاد اروپا و آمریکا را می‌گرداند و معذک همه ساکتند. اللهم انصر الاسلام والمسلمین واخذل الکفار والمنافقین، اللهم انصر من نصر الدین واخذل من خذل المسلمین. خدایا به حق محمد و آل محمد یک مقلد غیرت به مسلمانان بده که در مقابل ظلمها و جنایاتی که می‌شود بی‌تفاوت نباشیم، تو سرمان می‌زنند اقلاً آخ بگوئیم، والسلام علیکم جمیعاً ورحمته و برکاته.

پیوست شماره ۲۰۷: بیانات معظمله در پایان درس خارج فقه به مناسبت پنجمین سالگرد ارتحال امام خمینی و مرعظه فضلا و طلاب گرامی، مورخه ۱۳۷۳/۳/۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

همانطور که بارها از من شنیده‌اید، تعطیلات به معنای این نیست که آقایان دیگر کتابها را روی هم بگذارند و دیگر هیچ نگاه نکنند و اهل مطالعه نباشند، من به قدری تاسف می‌خورم، آن وقتی که من برای درس خواندن آمدم، استعداد و حافظه‌ام خوب بود، ولی علاوه بر اینکامکانات نداشتیم، کتاب نداشتیم، مدرس کم بود، از این شهرها هم خبری نبود، یادم می‌آید در اصفهان اصلاً شهریه داده نمی‌شد، فقط موقوفه مدرسه بود که متولی آن گاهی ماهیانه دو قران به هر نفر می‌داد، و جره‌هایی که مردم می‌دادند می‌رفت نجف برای مرحوم آسید ابوالحسن، منظور اینکه شهریه‌ای نبود، با کمال عسرت هم زندگی می‌کردیم، اما مهیا شده بودیم برای درس خواندن، علاوه بر همینها متأسفانه راهما نداشتیم، یک کسی نبود که به ما بگوید چه بخوان، چه

نخوان ولی حالا الحمد لله شما در حوزه علمیه قم که قرار گرفتاید، ولو امکانات پولی کم باشد، اما بالاخره کتب هست، کتابخانه هست، مدرسه هست، و شما هم الحمد لله جوانید، فراغت بال دارید می‌توانید از استعدادتان استفاده کنید، به علم اهمیت دهید، به تحصیل علم اهمیت دهید، اما صادق علیه‌السلام در حدیث صحیح می‌فرماید: "لوددت ان اصحابی ضریبت رووسهم بالسیاط حتی یتفقها، من دوست داشتم که بر سر اصحاب من تازیانه بزنند تا بروند فقیه‌بشوند." در این دنیای امروز به فقیه‌ی که همه مسائل اسلامی را مورد توجه قرار دهد، خیلی احتیاج هست. "لو یعلم الناس ما فی طلب العلم لمطلبوه ولو بسفک المهبج و خوض اللجج، اگر مردم می‌دانستند علم چقدر خاصیت دارد، طلب می‌کردند ولو خون در این راه ریخته شود و در گردابها فرو روند." اوقات فراغتتان را به بطالت نگذرانید، تحصیل علم کنید و بدانید همان تعلم، خودش بزرگترین عبادت است، حدیث از پیغمبر اکرم (ص) است که فرمود: "الا و ان الله یحب بغاه العلم، خدا طالبین علم را دوست دارد." بنابراین ایام تعطیلی، تفسیر بخوانید، مباحثه کنید، تاریخ اسلام، حدیث، همین درس‌هایتان را مباحثه کنید، خودتان مطالعه کنید، مسائلی که در دنیای امروز مورد نیاز است، مطالعه کتب مختلف به شما بینش و درک می‌دهد که در این دنیای متلاطم کلاه سرتان نرود، حتی در مسائل سیاسی هم اگر اهل مطالعه نباشید ممکن است کلاه سرتان برود، بنابراین به علم اهمیت دهید، به وقتتان اهمیت دهید، درس بخوانید، ماسابق این اواخر که متوجه شده بودیم از تعطیلی‌ها بیشتر از تحصیلی‌ها استفاده می‌کردیم.

اگر می‌بینید مرحوم امام خمینی طاب‌ثراه موفقیت پیدا کرد هم در انقلاب، هم در هر جهت، برای این بود که ایشان واقعا مرد کار بود، مرد تحصیل علم بود، به قدری به علم اهمیت می‌داد، من یادم هست یک وقتی در آن بحران مبارزه، از تهران و شهرهای دیگر هجوم آورده بودند منزل ایشان و با ایشان کار داشتند، ایشان درسشان را گفته بودند. من بعد از اینکه درسشان تمام شده بود به منزل ایشان رفتم، طبقات مختلف که آنجا بودند به ما گفتند ما از تهران و جاهای دیگر آمده‌ایم بسا ایشان کنار داریم، راجع به همین مسائل سیاسی، من رفتم در آنروز دیدم ایشان نشستند و درسی را که آنروز گفته بودند می‌نوشتند، گفتم آقا حالا وقت درس نوشتن است؟ این همه مردم آمده‌اند. گفتند: "ما برایمان آنچه مهم است همان درس‌مان است" مقید بودند درسی را که گفته بودند بنویسند، بعد ببینند پاسخگویی مردم باشند، اگر ایشان در انقلاب موفقیت پیدا کرد، پیروزی پیدا کرد، یکی از عمده دلیل‌هایش همان مقام علمی ایشان بود، ایشان هم فقیه بود، هم اصولی بود، هم فیلسوف بود، هم عارف بود، هم در عین حال شجاع بود، با تقوا بود، مستعبد بود، متعهد بود و جامع کمالات مختلف بود، مرحوم امام برای همان جنبه مرجعیت عامه‌شان و برای اینکه جهت علمی ایشان را هیچ کس نمی‌توانست منکر شود و علوم مختلفی را که مورد نیاز بود، ایشان واجد بودند پیروز شدند و علم و مرجعیت و شجاعت ایشان رمز موفقیت‌شان بود. شما نگویید امروز کسی طالب ما طلبه‌ها نیست، چندسال قبل در یولتن‌های خبری می‌خواندم که در آفریقا از طرف واتیکان ۱۱۰ هزار مبلغ تبلیغ مسیحیت می‌کنند، حوزه علمیه قم در آفریقا چندتا مبلغ دارد؟ پس اگر شما واقعا عالم باشید، می‌توانید به اسلام خدمت کنید و اگر شما بتوانید کسی را هدایت کنید، از دنیا و مافیها برای شما بهتر است. این آیه شریفه: "من احیانا نفسا فکانما احیا الناس جمیعا" در ذیلش روایتی است که معنایش این است: "که اگر شما یکمفر را از هلاکت‌ه هدایت بیاورید، شما یکمفر را اگر احیاء دینی بکنید، مثل این است که همه مردم را احیا کرده‌اید، بر عکس اگر کسی سبب شود یکمفر را القا شبهه در ذهنش بکند، مثل این است که همه مردم را کشته است."

علمی‌ای‌حال، هدایت کردن مردم خیلی اجر و فضیلت دارد. دهه محرم هم در پیش است انشا الله آقایان می‌روند برای تبلیغ و ارشاد، واقعا قضدستان هدایت و ارشاد مردم باشد. در محرم که مجالس را تشکیل می‌دهند برای این است که مردم با اسلام و معارف اهل بیت (ع) آشنا شوند، خدا رحمت کند والد من خودش با اینکه یک کشاورز بود، به همان مقدار که می‌دانست هر جا می‌رفت یا روی منبر یا توی مجالس شروع می‌کرد مسائل اسلامی را می‌گفت، حدیث می‌خواند، آیه می‌خواند و به آقایان می‌گفت شما روی منبر می‌گویید که مردم بروید دستورات اسلام را یاد بگیرید، کجا بروند یاد بگیرند؟ برای مردم مسئله بگویند، چه اشکال دارد مسائل را از روی رساله عملیه بخوانید؟ در مسائل کلی اسلام که اختلاف فتوا نیست، بعضی مردم وضو و تیمم و نماز بلد نیستند، چه اشکال دارد روی منبر وضو بگیرد یا یک تیمم بکند یا سوره حمد را بخواند؟ همچنین اصول عقائد را بگویند، اخلاق اسلام را بگویند، روش پیغمبر (ص)، روش ائمه (ع)، نحوه عمل به دستورات اسلام را بگویند، یک روز حج بگویند، یک روز زکات را بگویند، یک روز خمس را بگویند. مواظب باشید در تبلیغات هیچ وقت بر خلاف واقع حرف نزنید، بر خلاف عقیده تان حرف نزنید، شما فرض کنید به یک آقا معتقدید، این معنایش این نیست که بروید نسبت به آقایان دیگر تنقیص کنید، اغراق هم نکنید. هر کس همان اندازه کمالاتی که دارد بگویند. به دنیا هم بی‌اعتنا باشید، برای مال دنیا فعالیت نکنید، روزی را خدا انشا الله می‌رساند. "یا ارض لاترزقی احدا من عبادی الا بکد الیمین و عرق الجبین الا طالبی العلم فانی ضمنت ارزاقهم." من و شما باید پیرو پیغمبر اکرم (ص) باشیم، به قول عوام می‌گویند شما آقایان روی قالیچه پیغمبر نشستاید، پیغمبر قالیچه نداشته است، این چند جمله را از امیرالمومنین (ع) راجع به پیغمبر بخوانم، ببینید ما باید پیرو چنین شخصی باشیم آنجا که می‌فرماید: "ولقد کان صلی الله علیه و آله وسلم، یا کل علی الارض، و یجلس جله العبد، و یخصف بیده نعله و یرقع بیده ثوبه، و یرکب الحمار العاری، و یردف خلفه، و یكون الستر علی باب بینه فتكون فیہ التصاویر فیقول یا فلانہ لا حدی ازواجه غیبیه عنسی، فانی اذا نظرت الیه ذکرت اللنیاء و زخارفها فاعرض عن اللنیاء بقلبه، و امانت ذکرها من نفسه، و احب ان تغیب زینتها عن عینه، و لکیلا یتخذ منها ریاشا، و لا یعتقدها قرارا، و لا یرجو فیها مقاما، فاخرجها من النفس، و اشخصها عن القلب و غیبها عن البصر، و کذلک من ابغض شیئا ابغض ان ینظر الیه، و ان یدکر عنده." تهج البلاغه، خطبه ۱۶۰ شخصیت شما به خانه کذابی و ماشین کذابی و به تشریفات نیست، شخصیت شما به علم و تقویاتان است.

ضمنا از همه آقایان عذر می‌خواهم اگر چنانچه در صحبت‌های من و رفتار من خطائی بوده است، یا مثلا کوتاهی در انجام وظیفه نسبت به آقایان بوده است طلب عفو می‌کنم. هیچ کدام ما معصوم نیستیم و پیغمبر اکرم (ص) فرمود: "کل ابن آدم خطا فخریر نسبت به آقایان بوده است طلب عفو می‌کنم."

الخطائین التوابین. قصدتان خدا باشد در کارها خدا را فراموش نکنید، خدا انشا الله به همه ما توفیق بدهد طالب علم و عمل و اهل تسلیخ و ارشاد باشیم و در خاتمه برای شادی روح مرحوم امام خمینی (ره) که علما گذشته یک حمد و قل هو الله بخوانید. (قرائت فاتحه) خداوند انشا الله درجات ایشان عالی است متعالی کند و به ما توفیق بدهد که پیرو بزرگان باشیم والسلام علیکم جمیعاً و رحمات الله و برکاته

پیوست شماره ۲۰۸: پیام معظمه به مناسبت حادثه ناگوار بمبگذاری در حرم مطهر حضرت ثامن الائمه (ع)
بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون
کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا
فی البحار بسنده عن الامام الصادق (ع) عن آياته عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: "ستدفن بضعة منى بارض خراسان لا يزورها مومن الا اوجب الله عزوجل له الجنة و حرم جسده على النار."
رسول خدا فرمودند: "زود باشد پارهای از تن من در زمین خراسان مدفون شود، او را هیچ مومنی زیارت نکند جز اینکه خدا بهشت را برای او واجب و جسدش را بر آتش حرام نماید." آری این است مقام و منزلت زوار حضرت ثامن الائمه روحی و ارواح العالمین لافدا، گوآرا باد آنان را، ولسی با کمال تأسف در روز عاشورای حسینی در بارگاه ملکوتی امام هشتم و حرم امن آن حضرت به دست جنایتکاران و دشمنان اسلام و اهل بیت (ع) بمبگذاری شد و این حادثه جانگناز و دلخراش منجر به تخریب قسمتی از حرم مطهر و شهید و مجروح شدن جمع کثیری از زوار و دل سوختگان آن امام شهید شد. این جنایتکاران بی هویت با این جنایت بزرگ خود که در تاریخ کسینظیر است ثابت کردند که هر چند یزید و ابن زیاد و شمر کربلا (لعنهم الله تعالی) بمدرک و اصل شدند و هر روز و هر ساعت مورد نفرین و لعن میلیونها انسان مومن و مخلص واقع می شوند ولی یزیدیان کوردل و دشمن اسلام تشیع راستین در هر زمان و هر مکان حضور دارند و به آنها مختلف خیانت درونی و دشمنی خود را با حق و حقیقت و عترت پاک رسول خدا برآز می دارند، که "کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا"، و پیوسته در برابر صف حق و مردان خدا، شیاطین و دشمنان حقیقت و انسانیت صغیندی کرده و می کنند ولی باید بدانند که: "اما الزلزال فیهذه جفا و اما ما یفیع الناس فیمکت فی الارض."
آری به خاک و خون کشیدن بندگان خدا در حال زیارت و عبادت و مناجات با خدا در هیچ دین و مذهب و ملتی روا نیست و همه عقلای جهان آن را تقبیح می کنند.

اینان با این جنایت فجیع خود ثابت کردند که به هیچ یک از موازین اخلاقی و انسانی پایبند نیستند و دانسته یا ندانسته به نفع دشمنان اسلام استکبار جهانی فعالیت می کنند. این کوردلان غافلند که شهادت در حرم مطهر حضرت ثامن الائمه (ع) در روز شهادت سالار شهیدان (ع) در حال عبادت و مناجات با خدا افتخاری است بزرگ برای بندگان خدا، و به گواهی رسول خدا (ص) بهشت خدا منتظر آنان می باشد، ولی آنان با این عمل زشت، چهره کریه خود را به جهانیان نمایانتر کردند، و با هم آهنگ شدن با وهابیان معاند که دست به تخریب قبور و حریمهای ائمه اطهار (ع) کردند و صهیونیستهای که نمازگزاران مسجد خلیل الرحمن را در شهر الخلیل به رگبار بستند و صریها و هندوهائی که مسلمانان بیگناه را از زن و مرد و صغیر و کبیر در بوسنی و کشمیر قتل عام کردند و می کنند جز نفرت عمومی و لعنت ابدی برای خود و سردمداران شان بهرهای نخواهند برد، آیا این جنایت بزرگ در این مکان مقدس و در این روز شریف چیزی غیر از دشمنی آنها با عترت پاک رسول خدا (ص) و شیعیان و زوار دل سوخته آن حضرت را به اثبات می رساند؟

اینجناب این مصیبت بزرگ را به رسول گرامی اسلام و عترت پاک آن حضرت بخصوص حضرت ثامن الائمه و حضرت ولسی عصر عجیل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت معصوم سلام الله علیهم جمعین و حضرات علما اعلام و حوزه های علمیه و خدمتگزاران به اسلام و ملت شریف و مسلمان ایران و بازماندگان شهدای این حادثه ناگوار و به همه مسلمین جهان تسلیت می گزیم و از خداوند قادر متعال علو درجات همه شهدا و پیروزی اسلام بر کفر جهانی و شکست دشمنان اسلام و قرآن و مذهب تشیع را مسالت می نمایم والسلام علی جمیع اخواننا المومنین و رحمات الله و برکاته

۱۱ محرم الحرام ۱۴۱۵ ۱۳۷۳/۳/۳۱
قم المقدسه، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۰۹: بیانات معظمه در پایان درس خارج فقه پیرامون جنگهای داخلی افغانستان، مورخه ۱۳۷۳/۶/۲۹
بسمه تعالی

یسکی از چیزهائی که واقعا انسان را رنج می دهد این است که الان جهان اسلام مواجه با مشکلات زیادی است و ما مسلمانان شرائط سختی را می گذرانیم، هم غرب مخالف با اسلام و قدرت اسلام است، هم آمریکا مخالف است و هم صهیونیستها. اینها با هم در این جهت که اسلام نباشد و قدرت اسلام را از بین ببرند هماهنگ شده اند، با اینکه مسلمانها از نظر عده و عده کمبود ندارند، حدود یک میلیارد مسلمان در عالم هست، این همه امکانات در اختیار مسلمانان هست، همین نفت و گازی که در کشورهای اسلامی است، اگر یک ماه ببندند اقتصاد آمریکا و اروپا را فلج می کنند معذک مسلمانان خوابند و به جان یکدیگر افتاده اند، امکانات را در اختیار غریبها و آمریکا می گذارند و جنگ داخلی بعراه انداخته و یکدیگر را می کشند. در صورتی که همه مسلمانان به اندازه قدرتشان در گرفتاریهائی که مسلمانان دارند مشورت دارند، و بعواسطه تحریک صهیونیستها و غریبها کار بجائی رسیده که در فلسطینی که حدود چهل پنجاه سال فلسطینیها با اسرائیل جنگ می کردند متاسفانه حالا تبدیل شده است به جنگ فلسطینی با فلسطینی. فلسطینیها، فلسطینیها را بازداشت می کنند، زندان می کنند. این کاریست که غریبها و صهیونیستها کرده اند. اسمش هم این است که خود گردانی بنهند، کدام خود گردانی؟

همه‌اش دست اسرائیل است. خلاصه جنگ فلسطینیها با اسرائیل تبدیل شده است به جنگ فلسطینیها با فلسطینیها. در اروپا یک قانون اسلامی به نام بوسنی بوده است که چهار صد پانصد سال است مسلمانان در آنجا هستند، و حالا دشمنان اسلام همه با هم هم‌هنگ شده‌اند تا اسلام را در آنجا از بین ببرند. همانطوری که در اسپانیا که یک قانون اسلامی بود، قدرت اسلامی بود، مسیحی‌ها مسلمانان را قتل‌عام کردند، آواره کردند و اسلام را در اسپانیا از بین بردند. الان هم در بوسنی بیش از دوسال است که مسلمانان را قتل‌عام می‌کنند، به نوایس آنها تجاوز می‌کنند، بچه‌ها را می‌کشند و به انحط مختلف از بین می‌برند. سازمان ملل هم فقط شعار می‌دهد، ای کاش این نیروهای که سازمان ملل فرستاده در بوسنی همه نیروهایش را می‌برد فقط همان تحریم تسلیحاتی را که علیه بوسنی اعمال کرده است لغو می‌کرد و مسلمانان را به حال خودشان می‌گذاشتند، چون مسلمانان که ضعیف و عاجز نیستند، مسلمانان اگر سلاح داشته باشند می‌توانند از خودشان دفاع کنند. اسلحه یوگسلاوی سابق در اختیار صربها است، روس‌ها هم کمکشان می‌کنند. از آن طرف مسلمانان تحریم تسلیحاتی شده‌اند، و الان هم باز زمزمه است که لغو تحریم از صربها بکنند بجای اینکه تحریم علیه مسلمانان را لغو کنند می‌خواهند از صربها لغو کنند. یعنی صربها دستشان باز باشد تا مسلمانان را قتل‌عام بکنند که اسلام در آنجا نباشد. هر روز مردم کشته می‌شوند، شهید می‌شوند، آواره می‌شوند. حقوق بشر و دموکراسی، اینها همه برای زور گفتن به جهان سوم است و الا حقوق بشر حرف است. آیا حقوق بشر در بوسنی زیر پا گذاشته نشده و نمی‌شود؟ این سازمانهای حقوقی کجا هستند؟ گاهی می‌گویند که آمریکا با صربها مخالف است. اگر آمریکا مخالف بود، این قدر دست صربها را باز نمی‌گذاشتند و تا حالا مشکل بوسنی حل شده بود. خیر، آمریکا موافق صربها است. چون آمریکا بفرماندهای خودش است، نه به فکر حقوق بشر، نه به فکر دموکراسی، اینها همه حرف است، در آنجا (بوسنی) مسلمانان قتل‌عام می‌شوند و این کشورهای اسلامی هم حرف می‌زنند، اگر غیرت داشتند، اینهایی که نفت آمریکا و اروپا را تامین می‌کنند، همین عربستان به تنهایی می‌تواند قاطعانه بایستد و بگوید اگر نفت و گاز می‌خواهید بدهیم بساید مسئله بوسنی حل بشود، قطعاً حل می‌شود.

حالا بدتر از همه افغانستان همسایه خودمان است. مردم افغانستان با روسها انصافاً خوب جنگیدند، قاطعانه جنگیدند و روسها را واقعا بیرون کردند و جای تقدیر هم هست. فداکاری کردند شهید و معلول دادند، اما حالا که روسها رفتند، قدرت دست خودشان آمده جنگ داخلی به راه انداخته‌اند. کم‌کم جنگ سنی با سنی، شیعه با شیعه، باید چه کرد؟ ما همه ساکت مسلمانان همه ساکت خود آنها هم خواب و آمریکا و روسیه خوشحال از این جنگ داخلی، این جنگ داخلی دارد روسها را تطهیر می‌کند. کار را به جانی نرسانید که مردم افغانستان بگویند صد رحمت به آن وقتی که ما در اختیار روسها بودیم، صد رحمت به آن وقتی که در اختیار نجیبانه، ببرک کارمل و حفیظالله امین بودیم. این جنگ داخلی مردم را به اسلام و به روحانیت و به همه چیز بدبین می‌کند. این جنگهای داخلی که الان هست، خیال نکنند که جنگ اسلامی است با اینکه اینها مسلمان هستند، دولت آقای ربانی خود را مسلمان می‌داند، آقای حکمتیار خودش را متخصص مسائل اسلام می‌داند، آیتالله محسنی خودش مرد عالم و مرد بزرگی است از علما شیعه است، حجة الاسلام آقای مزاری که رئیس حزب وحدت اسلامی است، ایشان هم که از فضلا و طلاب قم بود، درس خوانده است، متوجه باشند، آگاه باشند که در بین آنها چه می‌گذرد. مسن به عنوان اینکه هم عالم به مسائل اسلامی و هم آگاه به مسائل سیاسی هستیم، آدمی نبوده‌ام که در گوشه‌ای خزیده باشم و از مسائل سیاسی بی‌اطلاع باشم. جنگهای افغانستان و جاهای دیگر را همیشه تعقیب می‌کردم و می‌دانم چه خبر است، هم توی انقلاب بوده‌ام و هم از فوت و فنهای سیاسی با اطلاعم، کسی نمی‌تواند بگوید تو از موضوع بی‌اطلاع هستی، من در اینجا اعلام می‌کنم که: این جنگهای داخلی افغانستان هیچ جنبه اسلامی ندارد و شرکت در این جنگها حرام است. هریک از افراد چه شیعه و چه سنی در این جنگها شرکت کند خلاف شرع است، انسانهایی را که می‌کشند ضامن خون آنها هستند. کسانی هم که کمک مالی به این جنگها می‌کنند آنها هم بدانند کنار خلاف می‌کنند. اگر به عنوان وجوه شرعی هم کمک می‌کنند بدانند برای لذت نمی‌شوند. اینها هم که در جنگ کشته می‌شوند شهید نیستند، فدای دیگران می‌شوند. به اسم اسلام جنگ می‌کنند اما جنگ اسلامی نیست، جنگ گروهی است، جنگ ریاست است. متأسفانه مردم ضعیف و مستضعف خودشان را فدای قدرت آن روسها می‌کنند، بدانند هم دنیا را از دست می‌دهند هم آخرشان را، "خسر الدنيا والاخره" هستند. چه جنگهایی که بین آقای حکمتیار و آقای ربانی است و چه جنگهایی که الان بین حرکت اسلامی و بین حزب وحدت است اینها هیچ جنبه شرعی و اسلامی ندارد، خلاف شرع است، جنایت است، مردمی که آواره می‌کنید، زن و بچه مردم بلا تکلیف می‌شوند، آواره می‌شوند، مردم مسلمان کشته و مجروح می‌شوند، برای اینکه این آقا می‌خواهد رئیس بشود یا آن آقا می‌خواهد رئیس بشود. بنابراین واجب است به هر نحوی که مقدور است این سران لااقل شیعه‌ها، آیتالله محسنی و حجة الاسلام آقای مزاری به هر قیمتی شد باید با هم تفاهم کنند، علما دیگر اینها را با هم آشتی بدهند جنگ را تمامش کنند و از مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران هم تقاضا می‌شود که حیات بلند پایهای را با اختیارات تام بفرستند تا این اختلافات را حل کنند. چون ما با آنها هم‌هنگ هستیم، هم مذهب هستیم هم مرز هستیم واجب است که از طرف جمهوری اسلامی حیات بلند پایهای بروند آتش‌بس بدهند و بر آن نظارت کنند. اینها را اصلاح دهند. بالاخره اینها دارند نابود می‌شوند و آمریکا خوشحال است برای اینکه دلش نمی‌خواهد یک جمهوری اسلامی دیگر کنار جمهوری اسلامی ایران پیدا شود. از جمهوری اسلامی ایران خاطره خوشی ندارد. اگر یک قدرت اسلامی در افغانستان پیدا شود اینها ناراحت می‌شوند روسیه هم خوشحال است برای اینکه دارد تطهیر می‌شود. صبح رادیو نقل می‌کرد که وزیر خارجه فرانسه گفته است ما از قضیه الجزایر ناراحت هستیم، برای اینکه قدرت اسلامی دارد در الجزایر پیدا می‌شود و او اظهار امیدواری کرده که چنین روزی نیاید که اسلام در الجزایر قدرت پیدا کند و گفته است ما با دوازده کشوری که با هم هستیم در این جهت سیاستمان واحد است. آنها چه آمریکا و چه غرب و چه صهیونیستها از این جنگ داخلی خوشحالند. علسی‌ای حال باز من تکرار می‌کنم اگر صدای من به آنها برسد بدانند که شرکت در این جنگها حرام و جنایت است و در این راه هم شهید نیستند و "خسر الدنيا والاخره" هستند. کسانی هم که کمک مالی می‌کنند آنها

هم مسئولند و بابت وجوه شرعی هم کسی حق ندارد کمک کند مبری الذمه نمی‌شود.
 خدایا به حق محمد و آل محمد شر دشمنان اسلام را از سر مسلمان برطرف فرما. اسلام و مسلمین را پیروز فرما، ما را به وظائف اسلامیمان آشنا بفرما. والسلام علیکم ورحمته و برکاته.

پیوست شماره ۲۱۰: تصریح معظمله بر اینکه آنچه تاکنون انجام داده‌ام از روی عقیده بوده و از گذشته خود پشیمان نمی‌باشم. مورخه ۱۳۷۳/۱۰/۱۸

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیتالله العظمی منتظری دامتبرکاته
 پس از سلام و تبریک میلاد با سعادت سرور آزادگان جهان حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) اخیراً در بعضی محافل و افواه گفته می‌شود که حضرت تعالی فرموده‌اند: من از انقلاب و سیاست توبه کرده‌ام و پشیمان شده‌ام. چنانچه مصلحت می‌دانید در باره صحت و سقم آن توضیح فرمایید. والسلام علیکم ورحمته و برکاته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با سلام و تبریک متقابل، مطلب فوق جفا تکذیب می‌شود، نه چنین چیزی گفته‌ام و نه خواهم گفت. اینجانب مسائلی راجع به نحوه کار بعضی افراد که نصب و عزل آنها قبل از تدوین قانون اساسی بسا به من ارتباط پیدا می‌کرد به حضرات آیات آقایان مومن و ابطحی کاشانی دامتافاضاتهما یادآور شدم که شاید همان باعث شده چنین برداشتی شود و یا عده‌ای از روی بی‌اطلاعی و یا غرض‌ورزی به شایعه‌سازی پردازند و چنین تهمت را بزنند. چنانچه اصرار داشته باشید می‌توانید از آقایان محترم استفسار نمایید، عمل به تکلیف الهی پشیمانی و توبه‌ناپذیر است. از سال ۹۲ که نهضت امام خمینی (قدس سره) شروع شد از کسانی بودم که بنابر احساس وظیفه الهی همواره در کنار ایشان بودم و در غیاب معظمله نیز سعی من و دیگر دوستان بر این بود که بار مبارزه بر زمین نماند، و آنچه بوده توفیق الهی بوده است و همواره شاکرم که چنین توفیقی داشته‌ام و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همیشه بنابر احساس وظیفه شرعی پشتیبان ارزشهای نظام اسلامی بوده و هستم و چنانچه انتقادی هم داشته‌ام همان گونه که مکرر گفته‌ام از باب "النصیحه لائمة المسلمین" آن را ابراز می‌نمودم و آخرین بار در تاریخ ۶۸/۱/۴ این مطلب را به بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی (قدس سره) چنین نوشتم: "اینجانب تا حال معتقد بودم که تذکرات و انتقادات من نه فقط موجب تضعیف نظام نمی‌شود بلکه از این نظر که اکثریت مردم را امیدوار ساخته و مسئولین را نیز درصدد رفع نواقص و توجه بیشتر به مسائل می‌سازد موجب تقویت انقلاب و نظام هم می‌باشد، معذرت اگر حضرت تعالی تشخیص می‌دهید که این شیوه به مصلحت نیست و موجب تضعیف نظام و انقلاب می‌باشد اینجانب شرعاً نظر حضرت تعالی را بر نظر خود مقدم می‌دانم و هیچ گاه غیر از خیر اسلام و انقلاب را در نظر نداشته‌ام." در پایان به همه برادران و خواهران ایمانی توصیه می‌کنم در گفتن هر موضوع خفا را در نظر بگیرید و توجه کنید که گفتار انسان جز اعمالش محسوب و در نامه اعمال ثبت و ضبط می‌گردد. والسلام علیکم ورحمته و برکاته

۱۳۷۳/۱۰/۱۸

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۱۱: متن پیام تسلیت معظمله به مناسبت درگذشت جناب آقای مهندس مهدی بازرگان، مورخه ۱۳۷۳/۱۱/۱۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انا لله وانا اليه راجعون

تهران جناب آقای مهندس عبدالعلی بازرگان دامتوفیق

پس از سلام و تحیت درگذشت مرحوم مغفور مرد فضیلت و تقوی والد محترم جناب مستطاب آقای مهندس مهدی بازرگان رحمة الله علیه را به جنابعالی و همه بازماندگان و علاقه‌مندان محترم تسلیت می‌گویم. خدمات علمی و فرهنگی و نیز مبارزات پیگیر و تحمل فشارها و زندانها و تبعیدهای ایشان در زمان طاغوت بر کسی پوشیده نیست. آن مرحوم از چهره‌های نادری بودند که در گرایش نسل جوان و دانشگاهی به اسلام و تعلیمات مذهب و نیز گسترش نهضت اسلامی در بین دانشگاهیان و فرهنگیان متدین کشور نقش زیادی داشتند، و در این رابطه شایسته مورد کینه و غضب دستگاه طاغوت قرار گرفته بودند و محرومیت‌های زیادی را متحمل شدند. همین خدمات فرهنگی و مبارزات صمد و تعهد ایشان بود که زمینه مقبولیت خاصی را برای ایشان فراهم نمود تا جایی که رهبر فقید انقلاب مرحوم امام قدس سره ایشان را به عنوان اولین نخست‌وزیر انقلاب و از اعضای برجسته شورای انقلاب معرفی نمودند و در آن شرایط حساس ایشان به اتفاق دوستان خود با پیروی از رهبر فقید طاب‌ثراه اولین دولت پس از انقلاب را تشکیل دادند و به خدمات زیادی موفق شدند.

از خداوند قادر متعال برای آن مرحوم غفران و علو درجات و حشر با اولیا، و برای همه بازماندگان و علاقه‌مندان صبر جمیل و اجر عظیم و برای جنابعالی توفیق ادامه راه آن مرحوم را مسئلت می‌نمایم. والسلام علیکم ورحمة الله.

۱۹ شعبان ۱۴۱۵ ۱۳۷۳/۱۱/۱۸

قم، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۱۲: بیانات معظمله در ابتدای درس خارج فقه به مناسبت شهادت دکتر فتحی شقایق رهبر جهاد اسلامی فلسطین مورخه ۱۳۷۹/۸/۷

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب از خبر شهادت مرحوم دکتر فتحی شقاقی رهبر جهاد اسلامی فلسطین بسیار متأثر شدم. او مرد خیلی مخلصی بود و برای فلسطینی‌ها فعالیت می‌کرد، من در ایران ایشان را دیده بودم. چون لیبی مشغول بیرون کردن فلسطینی‌ها از آن کشور هست و این هم چیز عجیبی است که در این شرایط لیبی هم عملاً با فلسطینی‌ها مخالفت نکند، بسیاری از فلسطینی‌ها را از کشور لیبی اخراج می‌کنند، حالا آمریکا به لیبی فشار آورده و آن را محاصره اقتصادی کرده است نباید این سبب شود که به فلسطینی‌ها فشار بیاورد. مرحوم دکتر فتحی شقاقی به لیبی رفته بود برای اینکه وساطت کند که آن کشور فلسطینی‌ها را اخراج نکند و اسرائیلی‌ها متأسفانه او را در مالت ترور کردند.

آنها ما را متهم می‌کنند که ایران کشور تروریسم است، در صورتی که آنها خودشان عملاً چه آمریکا و چه اسرائیل با همین ترورها دارند بر دنیا حکومت می‌کنند، آمریکا هم امکانات کشورهای عربی را می‌گیرد و در اختیار اسرائیل می‌گذارد. متأسفانه در همین وقت، الان یک کنفرانس اقتصادی در اردن تشکیل داده‌اند، هم اسرائیل و هم آمریکا، همه اینها و هم عربها در آنجا شرکت دارند و کشورهای عربی اصلاً هیچ باکشان نیست.

حضرت سید الشهدا (ع) فرمود: "ان لم یکن لکم دین فکونوا احراراً فی دنیاکم". "کشورهای عربی با اسرائیل غاصب و زورگو با هم می‌نشینند کنفرانس اقتصادی تشکیل می‌دهند برای اینکه آمریکا و ایادی آن می‌خواهند نام سرمایه‌گذاری اقتصاد خاورمیانه را به وسیله کشورهای عربی و اسلامی قبضه کنند. اینها همه جای تأسف است، خداوند ان‌شا الله یک مقدار غیرت به مسلمانها و سران کشورهای اسلامی بدهد که این طور اسلام و مسلمین و آبروی اسلام را نفروشد. برای شادی روح آن مرحوم حمد و سوره‌ای قرائت نمایید. اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات الاحیاء منهمم والاموات.

پیوست شماره ۲۱۴: مستن بیانات معظمله در درس خارج فقه به مناسبت حملات اسرائیل غاصب به جنوب لبنان، مورخه ۱۳۷۵/۱/۲۶

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الان می‌دانید که از ناحیه اسرائیل غاصب در دنیای اسلام چه می‌گذرد؟ یک روزی که قدرت دنیا دست استعمار انگلستان بود آمدند یک شجره خبیثی بین کشورهای اسلامی کاشتند به نام اسرائیل. یک عده از صهیونیست‌های جنایتکار را از اطراف دنیا جمع کردند این هم برای اینکه به فکر یهود باشند، فرض کنید در آلمان نازیها یهودها را می‌کشتند اینها یهود آلمان نیستند وانگهی مسلمانها نباید غرامت آن را بدهند، این بهانه است. یک عده از صهیونیست‌های جنایتکار عامل استعمار را از اطراف دنیا جمع کردند آوردند در کشور اسلامی فلسطین و مسلمانها را قتل‌عام کردند، اموال و زمینهایشان را مصادره کردند و هنوز هم مصادره می‌کنند. این درخت را انگلیسی‌ها کاشتند و بعد از آنکه سیاستشان در دنیا شکست خورد آمریکا وارشان شده است. آمریکا دارد از این شجره خبیثه استفاده می‌کند و پشتیبان آن است، اسرائیل هم دستش باز است هر غلطی می‌خواهد می‌کند، و متأسفانه کشورهای اسلامی که بایستی در مقابل عکس‌العمل نشان بدهند همین روزها شهادتین را دعوت کردند آمد کشور عمان همین جا بیخ گوش ما، بعد هم قطر دعوتش کردند. فضای ترکیه را در اختیار اسرائیل قرار دادند، قرارداد هوایی که کشور ترکیه با اسرائیل منعقد کرده فضای کشور ترکیه آزاد است برای اسرائیل هر جا می‌خواهد برود این جور به او آوانس می‌دهند. کشورهای عربی ساکت و عریض‌اندام هم که خودش را پایگاه اسلام می‌داند می‌گوید اگر یک کلمه علیه اسرائیل و یا آمریکا بگوید ما چه می‌کنیم، به جای اینکه حمایت کنند از کسانی که می‌خواهند علیه کفر و استعمار مبارزه کنند می‌گیرند سرتان را پایین بیندازند فقط اعمال ظاهری حج را به جا بیاورید. خداوند اصلاً حج را قرار داده است برای اینکه مسلمانها همه در آنجا اجتماع کنند و تفاهم کنند. حج یک کنگره اسلامی است که مسلمانها با هم تفاهم کنند و علیه کفر و استعمار مبارزه کنند، نه اینکه یک عده سرشان را پایین بیندازند و نفهمند که چی شد. مثلاً یک طوافی بکنند و برگردند. رمی جمرات در منی در حقیقت درس می‌دهد که بایستی شیطانها را در دنیا رمی کرد طواغیت را باید رمی کرد و با آنها مبارزه کرد. "جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاماً للناس" کعبه محل قیام است نه اینکه نفهمند اصلاً چی شد و حج بی محتوا انجام دهند.

این مسلمانهای عرب در کشورهای اسلامی چرا ساکتند؟ حالا سرانشان خود فروخته‌اند، این مسلمانهای عمان، مسلمانهای قطر به دولتشان نمی‌گویند به چه مناسبت شما شیمون پترز را دعوت می‌کنید؟ تظاهری بکنند، سر و صدایی بکنند مثلاً اینکه خداوند تبارک و تعالی اصلاحی را از ملت عرب گرفته. اسرائیل این همه مسلمانها را قتل‌عام کرده الان در لبنان بیروت را بمباران می‌کند جنوب لبنان را چندین سال است اشغال کرده و قتل‌عام می‌کند، مردم مسلمان را آواره می‌کند، آمریکا هم پشتیبانی می‌کند، تمام صنایع نظامی حتی صنایع اتمی برای اسرائیل آزاد است دولت اسرائیل بمب اتمی هم بسازد اما عراق مثلاً من نمی‌خواهم از صدام حمایت بکنم صدام هم یک جنایتکار است از باب اینکه یک موشکی ساخته بود چه سر و صدایی راه انداختند در دنیا، سازمان ملل هم معرکه گرفته است. مردم بیچاره عراق دارند از گرسنگی می‌میرند، بچه‌هاشان از نداشتن غذا و دارو تلف می‌شوند، خوب کلک صدام را بکنید ملت عراق چه گناهی کرده‌اند؟ از نظر غذا و دارو عراق را تحت محاصره اقتصادی قرار داده‌اند، هر روزی یک بهانه‌ای می‌گیرند که صدام نمی‌داند موشک چی دارد، خوب اینکه اسرائیل بنحو اگملش را دارد، خودتان هم دارید حمایتش می‌کنید آن گناه نیست؟ اما یک کشور اسلامی اگر مسلح باشد برای دفاع از خودش این گناه است؟ به هر حال می‌بینید که اسرائیل هر روز دارد لبنان و بیروت و جنوب لبنان و صور و صیدا را بمباران می‌کند مسلمانها را شهید و یا آواره کرده و کشورهای عربی خیلی هنر کنند می‌گویند بله ما محکوم می‌کنیم چرا آنها را به کشور

خود راه می‌دهید؟ چرا به آمریکا اعتراض نمی‌کنید؟ شما امکان‌اتان را در اختیار آمریکا گذاشتاید، اگر کشورهای اسلامی یک ماه نفت و گازشان را از غرب و آمریکا قطع کنند صنایع آنها می‌خوابد آنها وابسته به ما هستند، سران این کشورها خود فروخته‌اند، چرا مردمشان غیرت ندارند؟ چرا مردمشان سر و صدا نمی‌کنند؟ چرا حوزه علمیه قم ساکت است؟ سابق در این جور قضایا از زمان مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در قضایای اسرائیل و فلسطین و اینها حوزه علمیه و فضلا و مردم قم تظاهرات می‌کردند.

مسلمانهای بیچاره لبنان الان در معرض موشکباران اسرائیل هستند. اسرائیل جنوب لبنان را چندین سال اشغال کرده و صدای مردم هم به جایی نمی‌رسد چون حامی ندارند، دوسه میلیون صهیونیست در مقابل یک میلیون مسلمان امکانات هم دست مسلمانهاست اما ایمان و غیرت از سرانشان گرفته شده و خود فروخته شده‌اند، حالا سران خوانند مردم چرا ساکتند؟ دفاع یک چیز غریزی بشر و حتی حیوانات است، گریه را هم اگر بزیم پنجه می‌زند. اینها می‌گویند که ما زمینهای مسلمانها را گرفتیم و قتل‌عامشان می‌کنیم ولی آنها ساکت باشند مسلمانها یک سبب گذاشتند بین در دنیا چه علمشنگای راه انداخته‌اند، در کنفرانس شرم‌الشیخ همه جمع شدند تا محکوم کنند اما جاهای دیگر مسلمانها را قتل‌عام می‌کنند هیچ کس نمی‌گوید چرا. چرا مسلمانها را در کشمیر قتل‌عام می‌کنند؟ اما کلینتون از آمریکا بلند می‌شود می‌آید شرم‌الشیخ برای اینکه مثلا چند نفر یهودی کشته شدند، اینها به هر حال درد است. جهان اسلام مبتلاست ما اقلا به اندازه قدرتمان یابستی یک عکس‌العملی نشان بدهیم.

عزفات هم این همه شعار داد برای فلسطین حالا بچه‌های مخلص را می‌گیرد زندانی می‌کند، تعقیب می‌کند. یک قدرت جزئی به او داده‌اند چرا علیه حزب‌الله آن را به کار می‌برد؟ ولی اسرائیل باید بداند این جنایتهایی را که می‌کند چون دولت غاصب است و زورگو و حرکت او حرکتی است محکوم به فناست. قرآن کریم وعده‌هایش دروغ نیست و این بچه‌های مخلص که برای دفاع از خودشان و برای دفاع از اسلام با اسرائیل ضربه می‌زنند معلوم می‌شود مبعوث خدا هستند. خداوند در سوره اعراف درباره همین یهود می‌فرماید: "و اذ تاذن ربک لیبعثن علیهم الی یوم القیامه من یشومهم سو العذاب ان ربک لسریع العقاب" این بچه‌های مخلص بالاخره کار خودشان را می‌کنند و اینها مبعوث خداوندند. خداوند اعلام کرده که تا روز قیامت مبعوث می‌کند بر علیه یهود، چرا؟ برای اینکه اینها اصلا بنیانشان بر جنایت و آدم‌کشی و علاقه به صل و عطی و دنیاست، این عقاب خدایی است. اسرائیل بایستی بفهمد که دولت پویشالی و غاصب است و غاصب البته در مقابلش عکس‌العمل هست.

خداوند انشا الله به حق محمد و آل محمد بر قدرت اسلام و مسلمین بیفزاید. خدایا ایمان و غیرت به کسانی که کشورهای اسلامی را قبضه کرده‌اند عنایت بفرما. خدا تعجیل در فرج امام‌زمان بفرما. انشا الله همه موفق و موید باشید. در خاتمه برای شادی روح شهدای لبنان و فلسطین یک حمد و قل هو الله تبارک کنید.

پیوست شماره ۲۱۴: سفارشات معظمله به شاگردان در پایان درس خارج فقه و در آستانه تعطیلات حوزه و ایام تبلیغ مورخه ۱۳۷۵/۲/۲۲

بسم الله الرحمن الرحیم

من بارها عرض کرده‌ام درس که تمام می‌شود نروید کتابها را بگذارید کنار و بروید دنبال تفریح و گردش و بسا کتساب و داع کنید اگر این کار را بکنید آینده درخشانی که امید داریم برای همه آقایان، نصیب نخواهد شد. در تعطیلاتها آدم بیشتر می‌تواند کار کند، سعی کنید برای خودتان برنامه داشته باشید، یا مثلا جزواتی بنویسید در مسائل مستحدثه‌ای که امروز مورد بحث و مسود ابنت است. مثل همین مساله تصویر و مجسمه که بحثش بعد می‌آید یا مساله غنا و موسیقی یا مساله پول و اینکه اصلا وضع پول در معاملات چگونه است. آیا پول متاع است؟ کالاست؟ ثمری و تنزل پولها. اینها مسائلی است که امروز مورد ابنت است و رویش باید مطالعه کرد، تحقیق کرد، جزوه نوشت بلکه انشا الله این مسائل پخته شود. اگر فرصت باشد آدم باید در این مسائل کار بکند و زحمت بکشد و خلاصه برای تابستان برنامه‌هایی داشته باشید. بنویسید، نوار گوش بدهید. باز من تکرار می‌کنم از جمله چیزهایی که لازم و ضروری است در این زمان که آقایان اهل علم باید بدانند، مسائل کلامی و فلسفی است. مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحمة الله علیه وحشت داشت و می‌فرمود از مشهد به ما فشار می‌آوردند، در دنیای امروز اگر شما مسائل کلامی و فلسفی را وارد نباشید این شبهاتی که نسل جوان دارند و شبهاتی که خارجیا القا کردند، راجع به اصل خدا و صفات خدا شبهات القا کرده‌اند، نمی‌توانید پاسخگو باشید. عرض کردم حالا فرض می‌کنیم فلسفه بالذات حرام باشد، دیگر بالاتر از این نیست که می‌شود مثل سحر، خود آقایان می‌گویند سحر و جادو اگر برای ابطال سحر لازم است عدای یاد بگیرند برای اینکه جادوها را باطل کنند. پس بنابراین برای اینکه جادویی که فلاسفه غرب و متفرین دارند و ذهن جوانها را مشوب می‌کنند، برای پاسخگویی آنها لازم است که آقایان فلسفه بلد باشند. نوارهای فلسفه را که بزرگان درس گفته‌اند، بگیرید و تاستان گوش بدهید و کتابهای دیگر را با هم مباحثه کنید، و من اگر می‌توانستم واقعا علاقه داشتم یک بحث فلسفه داشته باشیم منتها از ما دیگر گذشته است اما الان اساتید جوان هستند، وانگهی نوار هست و خلاصه از وقتتان استفاده کنید و برای محرم انشا الله آقایان برای ارشاد و تبلیغ که می‌روید نصرتان را خدا کنید و بدانید که نفس رفتن و ارشاد و تبلیغ چقدر برای شما اجر دارد. در اصول کافی این حدیث هست: "عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد" یک عالمی که مردم از علمش نفع ببرند بهتر از هفتاد هزار عبادت کننده است. اگر چنانچه زبان گویایی دارید و بیان خوبی دارید محرم و صفر برای ارشاد و تبلیغ بروید و واقعا هم برای ارشاد و تبلیغ بروید، به قصد پول نروید، خدا روزی را می‌رساند. من می‌دانم که وضع آقایان خوب نیست من خودم در وقت طلبگی خیلی وضعم از حالای طلبه‌ها بدتر بود. بسا مرحوم آیت‌الله مطهری مباحثه می‌کردیم، نزدیک ظهر شد و نان نداشتیم بخوریم. آقای مطهری گفت دیگر طاقت نداریم برو بین می‌توانی دو ریال و نیم یک جایی قرض کنی، یک نان بگیر بیای بخوریم و من از مدرسه فیضیه تا درب مسجد امام رفتم، یک قیافه‌ای که دو ریال و نیم از او

قرض کنم پیدا نکردم و برگشتم مدرسه فیضیه. آن وقت وضع طلبه‌ها اینطور بود. ولی معذرت‌کنان درسی را می‌خواندند و بسه درس اهمیت می‌دادند. بنابراین من می‌دانم که وضع آقایان طلاب خوب نیست، اما روزی را خدا می‌رساند. هیچ وقت مقام و شخصیت و روحانیت خودتان را به پول نفروشید، جوری نباشد که برای پول خودتان را کوچک کنید و تملق بگویید، به کم بسازید و قناعت داشته باشید. من خودم در زمان مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی چون ایشان به من علاقه داشتند چه بسا می‌رفتم سه چهار هزار تومان از ایشان برای غذای می‌گرفتم. واقعا به یک قراناش احتیاج داشتم اما به ایشان نمی‌فهماندم که من نیاز دارم و خودم به سختی می‌گذراندم. آخرش الحمدلله روز به روز بهتر شد. بنابراین شخصیت خودتان را حفظ کنید. من اینجا برای اینکه ممکن است کلام من اثرش کم باشد، کلام امیرالمومنین (ع) را برای آقایان می‌خوانم (همین که در درس عصر هم از صولا امیرالمومنین خواندیم) که حضرت چقدر سفارش دارند راجع به این جهت که انسان برای پول و مقام خودش را نفروشد. حضرت امیرالمومنین (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه می‌فرماید که: «و اعلم یقینا انک لن تبلغ املک» یقین بدان که به آن آرزوهای دور و دراز که داری هیچ وقت نمی‌رسی. «و لن تعدو اجلک» شما از اجل خودتان هم هیچ وقت نمی‌توانید تجاوز کنید آخرش انسان می‌میرد. «و انک فی سبیل من کان قبلک» تو هم مثل دیگران در راه دیگران هستی، همه آمدند حالا یا ثروتمند یا فقیر، مردند و رفتند، یا مقام داشتند و یا نداشتند، تمام شد و رفتند. «فخفف فی الطلب» سزاحت را پایین بیاور در مقام طلب کردن یعنی طمع زسادی نداشته باش. «و اجمل فی المکتسب» در کسب کردن میانه رو باش، حرص نباش. اجمال یعنی در کسب به خوبی برخورد داشتن، نه اینکه طمع و زبده روی «فانه رب طلب قد جر الی حرب» خیلی افراد یک چیزهایی را طلب کردند بعد مالشان هم از بین رفت، ثروت تهیه کردند بعد دزد برد. فلیس کل طالب بمزوق» این طور نیست که هر کس خیلی طلب کند و بدود روزی داده شود. «و لا کسل مجمل بمحروم» و این طور نیست آنهایی که عادلانه و به خوبی برخورد می‌کنند محروم باشند، خدا از یک راه دیگر برایش می‌رساند. محل شاهد این قسمت است. «و اکرم نفسک عن کل دنیه و ان ساقطک الی الرغائب» تو نفس خودت را بزرگتر بسدان از اخلاق زشت و خصلت‌های زشت، تملق بگویی نسبت به این آقا یا نسبت به آن پولدار، تواضع‌های بیجا، شما اهل علمید، شما روحانی هستید، سینه شما مشحون به قرآن و روایات اهل بیت (ع) است. این شخصیت روحانی و دینی شخصیت انسانی خودت را بسه پول و مقام نفروش ولو اگر بفروشی پول یا مقام پیدا می‌کنی، اما خودت را از دست داده‌ای، شخصیت و ارزش خودت را از دست داده‌ای. «فانک لن تعتاض بها تبذل من نفسک عوضا» اینکه تو شخصیت خودت را می‌فروشی عوضی غیرت نمی‌آید. فرض کن صد هزار تومان یا دویست هزار تومان به شما دادند، شما دویست هزار تومان ارزش دارید؟ فرض کن یک مقام مختصر هم به شما دادند، ارزش شما همین مقام است؟ شما یک انسانی، انسان کامل می‌توانی باشی. «لقد کرمانا بنی آدم» شما علما وارث انبیا هستید، جانشین پیامبران هستید، باید شخصیت روحانی خودتان را حفظ کنید، شخصیت انسانی خودتان را حفظ کنید، تبلیغ بکنید، زحمت بکشید. «ولا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا» خدا تو را آزاد خلق کرده، خود را بنده دیگران قرار مده. «و ما خیر خیر لا ینال الا بشر» چه خوبی است در این خوبی که از راه شر بدست بیاید. خیری که از راه شر به دست بیاید شر است. «و یسر لا ینال الا بعسر» چه خوبی است در این آسانی که از راه سختی به دست بیاید. بعد می‌فرماید: «وایاک ان توجف بک مطایا الطمع» پیرهنی از اینکه بتازاند تو را شترهای طمع. تشبیه کرده که طمع مثل یک شتر است که انسان سوارش بشود و بتازاند و انسان را پرت کند. «فتوردک مناهل الهلکة» شما را در آبشخورهای هلاکت وارد می‌کند. «وان استطعت ان لایکون بینک و بین الله ذو نعمة فافعل» اگر بتوانی یک کاری بکنی بین تو و بین خدا صاحب نعمتی واسطه نباشد انجام بده. اگر آن آقا و آن پولدار هم بخواهد به شما کمک کند باید خدا به دلش بیندازد، خوب شما از اول به خدا بگو. «فانک منکرک قسمک و آخذ سهمک» تو بالاخر سهم خودت را درک می‌کنی و نصیب می‌رسد. «و ان الیسیر من الله سبحانه اعظم و اکرم من الکثیر من خلقه» کمی که از طرف خدا برسد بهتر از زیادی است که از دیگران به شما برسد. «وان کان کل منه» هر چند همه از خداست. ما قصدمان این است که درس بخوانیم تا هم خودمان با احکام اسلام و اخلاق اسلام آشنا باشیم و هم وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد را انجام بدهیم. اگر چنانچه در صلوات اهل علم بیکنفر هم کار سبک انجام بدهد، مردم نسبت به همه قضاوتشان بد خواهد بود، اگر یک قصاب دزد باشد مردم می‌گویند این قصاب دزد است، اما اگر یک آخوند کفر بدی انجام داد مردم قضاوتشان نسبت به همه آخوندها بد خواهد بود. من بارها عرض کرده‌ام آقایان روحانیین که متلبس به لباس روحانیت شده‌اند، متوج به تاج ملائکه شدند، بسا از خیلی مباحات هیباید اجتناب کنند برای حفظ آبروی روحانیت و دین که مردم به روحانیت و دین بد بین نباشند، اگر بدبین شدند دیگر مسائلشان را نمی‌پرسند، آنوقت ما گناه کرده‌ایم که سبب شده‌ایم مردم اعتمادشان به اهل علم کم بشود. بنابراین تبلیغ بروند آقایان برای ارشاد بروند قصلشان را خدا بکنند انشا الله. در ضمن اگر چنانچه از ناحیه من سو ادبی و یا بی‌احترامی نسبت به آقایان شده معذرت می‌خواهم برای اینکه دو سه ماهی فاصله می‌شود عمر هم دست خداست یک وقت می‌بینی ما دیگر خدمت آقایان نرسیدیم. خداوند انشا الله خیر دنیا و آخرت به همه شما عنایت کند. خداوند شر کفار و اجانب و صهیونیستها را از سر کشورهای اسلامی برطرف بکند و عاقبت همه ما را هم ختم به خیر نماید. والسلام علیکم ورحمات الله وبرکاته.

پیوست شماره ۲۱۵: بیانات معظمله در آغاز درس خارج فقه در ارتباط با حمله به بیت آیت‌الله سیستانی در نجف اشرف و شکست شدن حریم مرجعیت، مورخه ۱۳۷۵/۹/۱۴
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

در بعضی از روزنامه‌ها آمده است و بعضی از رادیوهای خارجی هم گفتند که در نجف اشرف نیروهای مسلح به بیت آیت‌الله سیستانی حمله کرده‌اند و بعضی افراد در آنجا کشته شده‌اند. در سابق هر وقت این گونه مسائل اتفاق می‌افتاد مردم بی‌تفاوت نبودند، چون مرجعیت شیعه پایگاه عظمت و استقلال شیعه است، آنچه شیعه را در اعصار مختلف حفظ کرده است همان

مرجعیت شیعه بوده است و مردم همیشه نسبت به مراجع ایمان داشته و حامی و مدافع بوده‌اند. هیچ وقت مردم نسبت به این حوادث که بیت یک مرجعی مورد حمله واقع شود بی تفاوت نبوده‌اند و علما و مردم نسبت به آن عکس العمل نشان می‌دادند. البته بسا یک مقداری این بی تفاوتی هم از این است که متأسفانه در خود جمهوری اسلامی هم نظیر این مسائل اتفاق افتاده است و اتفاق می‌افتد و حریم بیوت علما را شکستند و می‌شکنند. متأسفانه مرجعیت را تنزل داده و آن را مبتذل کرده‌اند، چهارتا بچه در مساله مرجعیت و مراجع اظهار نظر می‌کنند، در وزارت اطلاعات یک معاونت تشکیل داده‌اند به عنوان "معاونت مراجع و حوزه" و چهارتا بچه اطلاعاتی بی سواد می‌نشینند راجع به مراجع اظهار نظر می‌کنند تصمیم می‌گیرند و کارهایی را انجام می‌دهند چهار تا بچه را می‌فرستند در "کرگل" هندوستان آنجا بگویند که فلان مرجع مرتد است چون فلان کار را انجام داده و این گونه کارهای بچه گانه انگلستان را با آن عظمت در زمان قدرتش فتوای میرزای شیرازی به زانو در آورد، عظمت میرزای شیرازی را آنها می‌دانستند، می‌خواستند حریم مرجعیت را بشکنند به دست خود ما شکستند این هست تا یک زمان مسئولین بالا متوجه بشوند آیا این حیف نیست که به خاطر بعضی اغراض سیاسی قدرت مرجعیت شکسته شود؟ آیا قاطعی کردن مسائل سیاسی با مساله روحانیت و مرجعیت درست است؟ آیا این درست است که این قدر مرجعیت و روحانیت را کوچک کنیم که هر بچهای را بیایند به عنوان مرجع معرفی کنند و بعد هم بگویند اینکه چیزی نیست؟ بالاخره در این سنخ مسائل بی تفاوتی گناه است که جرات بکنند در نجف اشرف نسبت به یک عالمی که در جهان تشیع مطرح است و محترم است یورش بیاورند و از آن طرف هم چهار تا بچه در کرگل هندوستان بروند بالای منبر و بگویند از آقای سیستانی یا آن آقای دیگر نباید تقلید کرد و مثلاً از کی باید تقلید کرد

مردم کرگل از ما استمداد کرده‌اند که یک فکری بکنید در اینجا همه مردم هم شیعه‌اند و هم علاقه‌مند به روحانیت و امام و انقلابند اما این یعنی چه که به آنها دستور بدهند که از کی نباید تقلید کرد و از کی باید تقلید کرد؟ چرا اهداف سیاسی خودتان را با مساله تقلید و مرجعیت مخلوط می‌کنید؟ تا کی می‌خواهند مسئولین توجه نداشته باشند که چهارتا بچه اطلاعاتی عظمت روحانیت را شکستند؟ خداوند انشا الله به حق محمد و آل محمد به همه تنبه بدهد، و آنهایی که با شیعه و با بزرگان شیعه و با اصل تشیع مخالفت می‌کنند خداوند شرشان را به خودشان برگرداند. انشا الله موفق باشید.

پسیوست شماره ۲۱۶: بیانات معظمه در پایان درس خارج فقه در مورد وجوب امر به معروف و نهی از منکر و استعجاب اعتکاف مورخه ۷۶/۸/۲۱ ۱۱ رجب المرجب ۱۴۱۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

همانطور که اطلاع دارید ایام البیض در پیش است. کسی می‌گفت روزه که نمی‌گیریم سحری هم نخوریم؟ حالا ما خودمان توفیق اعتکاف نداریم اقلاً به احترام معتکبین درس را تعطیل کنیم که به اعتکاف بی‌اعتنایی نشده باشد. سابقاً به اعتکاف خیلی اهمیت داده می‌شد. یک وقت من داستانش را نقل کرده‌ام، من و مرحوم شهید مطهری و چند نفر دیگر نزد مرحوم امام خمینی قدس سره در منزل ایشان درسی داشتیم، ایشان این را نقل کرد که یک روز ۱۵ رجب که ایام البیض بود، ما در مدرسه دارالشفا با آقای آقا ریحان الله گلپایگانی هم جهره بودیم، عصر وقتی که سماورمان را روشن کردیم در ایوان که جای بخوریم دینیم تمام طلبه‌ها دارند از حجره‌ها سر می‌کشند و به ما نگاه می‌کنند، تعجب کرده بودند که اینها سماور روشن کرده‌اند و می‌خواهند چای بخورند، با اینکه ایام البیض است و روزه و عمل اداوود و اینها.... مثل اینکه طلبه‌های در ماه رمضان روزه بخورد چقدر زننده است اینجور عمل ما مستهجن بود پیش طلبه‌ها و ما را به همدیگر نشان می‌دادند. بعد مرحوم آقای مطهری رحمه الله علیه فرمودند که اتفاقاً آن آدمهایی که آنجور خشک مقدس بودند نوعاً از آخوندی رفتند و منکر خیلی چیزها شدند، ولی امثال شما بالاخره مانندید.

البته واقعا این اعمال مستحب خوب است کسانی که می‌توانند حتی المقدور انجام دهند ولی باید اینطور هم نباشد که فقط اعمال مستحب و اینجور اعمال ظاهری را انجام بدهیم اما واقعیات و حقایق زیر پا گذاشته شود. وظایف بالاتری هم انسانها دارند. این آدمهایی که نوعاً بنظواهر خودشان را خیلی ملتمس می‌گیرند ذکر و دعا و زیارت عاشورا، نماز شب و اینها خدای ناکرده نسبی‌گویی اینها بد است، خوب است اما یک وظایف مهمتری هم هست. مثلاً فرض بگیرد مساله امر به معروف و نهی از منکر یکی از وظایف مهم اسلامی است و "بها تقام الفرائض"، اصلاً فرائض دیگر وابسته به امر به معروف است. امر به معروف هم فقط امر به معروف جزئی نیست، امر به معروف و نهی از منکر به طوری که هر منکری در جامعه یا در حوزه، هر جا هست این منکر مورد توجه باشد و به اندازه قدرت انسان از اسلام، از دین، از حق، از مظلوم دفاع کند. نه اینکه انسان همه جا خفقان بگیرد و هیچ نکوید، بگوید من ذکر را می‌گویم و دعایم را می‌خوانم. این واقعا جای تأسف است که چیزهای مهم مثلاً اساس اسلام در خطر باشد یا مثلاً حقوقی پایمال شود و به یک عده ظلم و تعدی شود. انسان باید از حق، از دین، از علم دفاع کند. یکی از چیزهایی که واقعا در این زمان ما مظلوم واقع شد از همه چیز مظلومتر و مورد هجوم قرار گرفت اصل مرجعیت شیعه است. مرجعیت شیعه یک پایگاه مهم شیعه بود، قدرتی بود که انگلستان و همه دشمنان رویش حساب می‌کردند. ما مرجعیت شیعه را روی اغراض سیاسی مبتذل کردیم. بچه گانه کردیم و چهارتا بچه هم در این مسائل همیشه اظهار نظر می‌کنند. علما و همه افراد باید از حق دفاع کنند، از مرجعیت شیعه دفاع کنند، از علم و دانش دفاع کنند، نه اینکه همه چیز را پایمال کنیم و زیر پا بگذاریم یکی از حرفهایی که ما از اول می‌گفتیم این بود که سیاست جز دین است و واقعا هم سیاست جز دین است. به فرمایش مرحوم امام خمینی قدس سره در احکام نماز جمعه در تحریر الوسیله: کسی که دین را از سیاست جدا بداند "گم یعرف الاسلام و لا السیاسه" درست هم همین است، دو شت احکام دین احکام سیاسی است. اما نه اینکه احکام دین را فساد سیاست خودمان بکنیم که خودمان یک سیاستی تنظیم کرده‌ایم عوضی بیاییم دین و علم و دانش و حوزه‌های علمی را همه را فدای سیاستهای غلط خودمان بکنیم و همه ساکت بمانند، این خیلی گناه است. عمل اداوود و این روزه‌ها و این اعمال مستحبه جبران این